



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
سؤالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی

شماره تلفن: ۸۸۹۴ - ۸۸۹۵ - ۸۸۹۶ - ۵۴۴۸

سال سوم - شماره ۷۵۹

صفحه ۲۰۸۵

مدیر سید محمد هاشمی

شنبه ۴ مهر ماه ۱۳۲۶

دوره یازدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۵۰۴

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱- صورت مشروح مذاکرات هیجدهمین جلسه دوره یازدهم از صفحه ۱ تا ۱۵
- ۲- تصویب نامه ۱۶
- ۳- آگهی های رسمی ۱۷

مذاکرات مجلس

جلسه ۱۸

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۳۱ شهریور ماه ۱۳۲۶

فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- بقیه مذاکره در برنامه دولت.
- ۳- موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه.

مجلس یک ساعت و چهار دقیقه پیش از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید.

۱- تصویب صورت مجلس

صورت مجلس روز اشنبه بیست و نهم شهریور ماه را آقای معتمد ماوندی (منشی) بشرح زیر قرائت نمودند

ناصری - شریعت زاده - اسلامی - شهاب خسروانی -
قهرمان - اسدی .

آقای حاذقی پیشنهاد جلسه گذشته خود را مشعر بر طرح اعتبار نامه آقای ارسنجانی مسترد داشته و آقای حائری زاده طبق ماده ۱۰۸ نظامنامه اخطار نموده و عقیده داشتند وزراء و معاونین و مخبرین کمیسیونهای مذکوره در این ماده هم در حکم سایر ناطقین میباشند و الا حق اقلیت ممکن است تضييع بشود، پس از پاسخ مقام ریاست بقیه مذاکره در برنامه دولت شروع شد. آقای امامانی به عنوان مخالف دولت پس از اشاره با اهمیت مقام نمایندگی شرح مبسوطی در باره عظمت حکومت اسلامی و ذکر خصائص آن از قبیل لزوم جهاد و دفاع از نظر اقتصادی و نظامی و همچنین ذکر امثله و شواهد تاریخی از طرز حکومت صدر اسلام و احترام قضات

مجلس یکساعت و نیم پیش از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل صورت جلسه قبل قرائت و پس از تذکرات آقایان آشتیانی زاده - رضوی - کشاورز صدر - نورالدین امامی - سزاوار - اردلان بعنوان اعتراض همچنین پاسخ مقام ریاست تصویب گردید اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده.

غایب با اجازه - آقای هامری
غائبین بی اجازه - آقایان: گنابادی - یالیزی
تولیت - دکتر عبده - ملک پور - تقی زاده - علی و کبلی
دیر آمدگان با اجازه - آقایان: اقبال -
فرامرزی .

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان: محمد حسین قشقایی - آشتیانی زاده - حسن اکبر - دکتر اعتبار سلطانی - آقاخان بختیار - دکتر طباطبائی - دکتر آشتیانی

اسلامی و نیز لزوم حفظ بیت المال مسلمین و اشاره با اهمیت و مقام حاکمیت ملت و استناد بقول علمای حقوق که حق حاکمیت قابل تجزیه نبوده و منحصرأ در دست دارالشورای ملی میباشد.

سپس با اشاره بنظر علمای حقوق دائر بتقسیم حاکمیت دولت سیاست داخلی و خارجی و ضرورت توجه بمسائل مربوط با استقلال مملکتی شرحی راجع بقضایای زمان تصدی دولت حاضر و مستقل و مشغول بودن وزراء در مقابل مجلس و لزوم عدم مداخله نخست وزیر در امور وزارت خانه ها و شهرداری بمنظور رعایت حفظ اصول بیان نموده و راجع به قانون استخدام عقیده داشتند بایستی بموضع اعطای رتبه های زیادی اشل را بالا ببرند و همچنین پس از تذکر در موضوع گرانی هزینه زندگی و ترقی ارز خارجی و لزوم جلوگیری از ورود اشباع لوکس بمنظور حفظ ثروت کشور و انتقاد از بازرسی نخست وزیری که مؤسسه زائیدی است راجع ببودجه مملکتی با اشاره بلزوم تأدیه مخارج ضروری در زمان فترت عقیده داشتند با وجود فقر عمومی از تحمیل مخارج زاید از قبیل مخارج تبلیغات بایستی جلوگیری نمود. در خصوص قضایای آذربایجان با مقایسه قیام ستارخان و باقرخان با قیام پیشه وری و همچنین انتقاد از مندرجات جراید و عملیات و اقدامات معاون سابق نخست وزیری در اصفهان و آذربایجان و تمجید از وطن پرستی آذربایجانیها عقیده داشتند اختلاف زبان بهیچوجه ارتباط با وحدت ملی ندارد راجع بمطبوعات نیز با تصدیق بلزوم هفت قدم اظهار

● این مذاکرات مشروح هیجدهمین جلسه از دوره یازدهم قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس ۱

داشتند دولت هم نباید آزادی مطبوعات را محدود نماید .

آقای دکتر فلسفی بعنوان موافق با برنامه بدو در جواب بیانات آقای کشاورز صدر راجع بلزوم تقویت قوه قضائی با تصدیق بکمی حقوق قضات حتی نمایندگان و لزوم تقبیل هزینه زندگانی با اشاره بماده ۹ برنامه و ضرورت تجدید نظر و وضع قوانین مذکور در آن نموده پس از تشریح اهمیت انقلاب آذربایجان و اضطراب عمومی در آلمان و لزوم قدردانی از اقدامات آقای نخست وزیر در رفع فائده آنجا و حفظ تعادل و توازن سیاسی راجع باسراف و تبذیر های مالی از اقدامات آقایان وزیر دارائی و اقتصاد ملی اظهار امیدواری نمودند و سپس در جواب هر یک از ایرادات آقای امامانی از قبیل موضوع اتومبیلهای دولتی و حاکمیت مجلس نسبت بدولت و وضع مستخدمین اداری و گرانی هزینه زندگی و خصوصاً قضیه آذربایجان بترتیب شرح مختصری بیان نموده پس از آن بشرح نظریات اصلاحی خود در برنامه پرداخته راجع بلزوم حفظ روابط خارجی و احترام متقابل با اشاره بصدمات وارده بکشور در زمان جنگ و همچنین لزوم توجه در اقتصادیات و بانک صنعتی و کارخانجات و بهبود زندگی زارعین و بهداشت آنها و تقبیل کارمندان و موضوع مالیات شرحی بیان نمودند در خاتمه احتیاجات حوزه انتخابیه خودشان گران را از قبیل لزوم توجه به بیمارستان مینو دشت و آب مشروب کمیته ان و لزوم تفکیک دشت از گران گوشزد نمودند .

آقای دکتر اعتبار بعنوان مخالف پس از اشاره بموضوع اقلیت و انتظارات از دولت بدو بشرح ایرادات خود از قبیل سنگینی بودجه مملکتی و عدم استطاعت پرداخت مردم وزیادی هزینه زندگی در نتیجه تصویبنامه های دولت و نیز تنزل شخصیت ها و مقام و رواج رشوه و صدور یک فقره جواز جو و امر انتخابات شهریار و ساوجبلاغ پرداخته راجع ببرنامج معتقد بودند رسیدگی با عمال گذشته بیفایده و رأی اعتماد بدولت شامل برنامه آینده است پس از آن با اشاره بمسافرت آقای نخست وزیر بسکو بدون رأی اعتماد مجلس عقبه داشتند اگر اسنادی امضاء شده رسمیت ندارد ولی دولت میتواند برای این که مشمول قانون آذر ۱۳۲۳ نشود برای افتتاح باب مذاکره استیضاه از مجلس بنماید .

و پس از اشاره سیاست خارجی و عدم اطلاع به ملت و همچنین اهمیت سازمان ملل متفق برای اصلاحات مملکتی معتقد بیک انقلاب قانونی بوده راجع بجمع آقایان وزرا هم با اشاره باصول ۶۰ و ۶۱ قانون اساسی تذکراتی دادند

آقای مهدی ارباب بعنوان موافق پس از اشاره با اهمیت مقام ووظایف نمایندگان و لزوم وجود اقلیت راجع به عملیات و اقدامات دولت و پائین آوردن هزینه زندگی و ایجاد امنیت و لزوم قدردانی از رئیس دولت و حسن انتخاب همکاران به مقتضای وقت و تجدید از زحمات آقایان وزیر دارائی و وزیر اقتصاد ملی و لزوم همکاری مجلس برای پائین آوردن سطح زندگی و انتخابات شهریار و ساوجبلاغ و توفیق دولت در رفع مشکلات و موضوع رأی اعتماد و آزادی انتخابات شرح مبسوطی بیان نمودند .

پس از آن راجع به تذکرات اصلاحی خود از قبیل لزوم سازمان مخصوص دزادارات برای رسیدگی بتقاضای نمایندگان و قطع تماس مأمورین دولتی با مردم و لزوم هم آهنگی ادارات و جلوگیری از دزدی و وضع مقررات زاید و لزوم امنیت قضائی و سپردن امور بدست اشخاص لایق و توجه به امنیت عمومی برای پیشرفت عمران و آبادی و وضع مقررات شدید برای رانندگی و دقت در تربیت عمومی و لزوم تشویق از صادرات و رسیدگی بوضع گمرک و لغو انحصار ها و جلوگیری از رواج قاچاق و لزوم عرضه و تقاضی شرح مختصری بیان نمودند .

آقای رئیس نسبت بماده ۱۰۸ نظامنامه مورد اخطار آقای حائری زاده شرحی توضیحاً بیان و اظهار نمودند طبق همین ماده رفتار شده است .

آقای دکتر اقبال وزیر بهداری صدور پروانه جو را که آقای دکتر اعتبار اظهار داشته بودند تکذیب نموده و با اشاره بصدور دیپلمهای تقلبی اظهار داشتند ممکن است این جواز هم نظیر همان ها باشد آقای رضا تجدد معاون وزارت دادگستری نیز در جواب آقای مهدی ارباب نسبت بامور قضائی توضیح مختصری دادند .

دو فقره سؤال از طرف آقای دهقان تقدیم و آقای رئیس اظهار داشتند برای اطلاع دولت ارسال میشود جلسه آینده بروز سه شنبه ۳۱ شهریور ماه موکول و مجلس یک ساعت و سه ربع بعد از ظهر ختم شد

رئیس - نظری بصورت مجلس نیست ؟

مهدی ارباب - نسبت بصورت جلسه نظری نداریم، یک اخطار نظامنامه دارم .

رئیس - نسبت به چه ماده ای ؟

مهدی ارباب - راجع بماده ۱۰۹

رئیس - بعد بفرمائید صورت مجلس روزیک شنبه ۲۹ شهریور تصویب شد . آقای ارباب بفرمائید .

مهدی ارباب - البته به پاس خدمات گرانهای دولت آقای قوام بنده موافق با دولت بودم و هستم، ضمناً یک تذکرات اصلاحی دارم در روز آقای تجدد معاون محترم وزارت دادگستری جوابی دادند که بنظر بنده قدری جنبه کم لطفی داشت اول فرمودند بنده دادگستری راستایش کردم بنده قضات یا کدما نمی که در مقابل تمام مشکلات قدا کاری میکنند آنها را ستایش کردم و خواهم کرد دوم فرمودند فاضی وقتیکه قضاوت میکنند توجه بکسی ندارد (بعضی از نمایندگان - این ۱۰۹ نیست)

رئیس - آقای ارباب این با ۱۰۹ تطبیق نمیکند . همان روز اگر اخطاری داشتید بایستی میفرمودید این سابقه میشود که بعد از چند جلسه آقایان بیایند بعنوان ۱۰۹ صحبت کنند همان روز می بایست بفرماید .

ارباب - عرض کنم این سابقه حالانسیب به بنده دارد جلوگیری میشود بفرمائید صحبت نکنم نمیکند .

رئیس - چون این سابقه میشود خواهش میکنم این صحبت ها را بعنوان ماده ۱۰۹ بفرمائید . آقای منصف تقاضای نطق قبل از دستور کرده اند (نمایندگان دستور ستور)

منصف - اجازه میفرمائید ؟

رئیس - ممکن است بجلسه آینده بگذاریم جلسه بعد آقایان اگر حرفی داشته باشند بفرمائید .

منصف - بنده تقاضای نطق قبل از دستور کردم چون گفته شد دستور بنده مخالف با دستور و چون هریض بنده مورد علاقه تمام نمایندگان است اجازه بفرمائید .

رئیس - آقای منصف آخر جلسه بفرمائید ممکن است آقایان تشریف داشته باشند آخر جلسه همین امروز شما بیاناتتان را بفرمائید . آقای دکتر متین دفتری .

۴- بقیه مذاکرات در برنامه دولت

دکتر متین دفتری - نظریا اینکه مدت یکسال و نیم کشور ما دچار فقرت بوده است و در واقع اصول پارلمانی در این مدت تعطیل شده بود حالا که بحمدالله مجلس شورای ملی تشکیل شده است و دولت هم معرفی شده است و در مجلس یک اکثریتی هست و یک اقلیتی، بنده اجازه میخواهم از آقایان که یک چند کلمه راجع باین مسئله عرض کنم و در واقع حدود تکلیف این سه ارکان ، این سه دستگاه که دستگاه هیئت دولت و اکثریت مجلس و اقلیت مجلس است . روابطشان محدودشان روی اصول و مقررات و رسوم پارلمانی مشخص شود . یک اکثریتی هست که قسمت اعظمش خودش را متکی بیک حزبی میداند ، یک اقلیتی هم هست که تشکیل شده است از یک کسبون موسوم بفرانکسیون اتحاد ملی و یک عده ای هم از متفردین که متفردین با این فرانسوی اتحاد ملی در مشی اقلیت همکاری میکنند و ائتلاف دارند اما ما که در اقلیت هستیم از روش اکثریت بکفتری گله داریم بعضی اینک کارها وارونه شده باشد ، در پارلمانها همیشه اکثریت زمامداری میکند و اقلیت هم اعتراض میکند و این حق مشروع است و این حق را از اقلیت نمیشود سلب کرد . در هر رژیم بیک اقلیتی ، یک متعترضی لازم است تا اینکه تعدیل کند کارها را . بنده خوب خاطر می آید یک شبی در هیئت وزیران اعلیحضرت فقید رو کردند با فرمودند که در این رژیم شما ، در این دستگاه شما اقلیت نیست ؟ این عین عبارتشان است ، ما نمیدانستیم چه جواب بدهیم ، فرمودند چرا اقلیت هست ، در اینجا هم اقلیت هست بعد خودشان فرمودند اقلیت در این دستگاه من هستم ، شما ما کار میکنید و منم بشما اعتراض میکنم و شما را تعدیل میکنم و با اعتراضات و مواخذه هایتیکه از شما میکنم شما مجبور میشوید بکار کردن ، پس وقتی که حتی در رژیم معروف بر رژیم دیکتاتوری یک اقلیتی لازم باشد مسلماً در رژیم پارلمانی لازم است .

گله ما از اکثریت چیست ؟ اکثریت ، اتفاقاً در اکثریت بنده بعضی از آقایان نمایندگان را مبینم که واقفاً حیف هستند برای اکثریت ، حقیق این بود که در اقلیت باشند (بعضی از نمایندگان - صحیح است) (بعضی از نمایندگان - خیر اینطور نیست) (زنک رئیس) ما اعتراض میکنیم رویه تا بحال این بوده که ما وقتی اعتراض میکنیم عوض اینکه جواب اعتراض را بدهند شروع میکنند به ناسزا و بدگویی بمتعرض بخودش ، به پدرش ، بکسانش ، این رویه پارلمانی نیست و ما حقیقه گله داریم از این مسئله اگر میخواهید اقلیت بشوید بیاید توی اقلیت و با ما

همکاری کنید ، ما همه چیز را برای اکثریت قائل هستیم ، همه وسایل دولتی ، مزابا همه چیز دست شما است ، یک اعتراضی هم برای ما است ، این را برای ما بشناسید و ما هم ، ما اقلیت هم بایستی این را عرض کنیم خدمت آقایان که اقلیت ما هم صرف این که یک عده دور هم جمع شده اند اسمشان را گذارده اند اقلیت نیست ، همانطوریکه آقایان اکثریت دارید و متکی به یک حزبی هستید ما هم دارای فرانکسیون اتحاد ملی که یک فرانکسیون تشکیل شده است ، یک مرامی دارد و روی یک اصولی ما جمع شده ایم و بقیه شرافت متعهد شده ایم که این مرام را در مجلس شورای ملی تعقیب کنیم و بیاناتی که بنده امروز این جا میکنم ، اعتراضاتی که بدولت خواهم کرد روی این مرام است و بنده انتظار دارم آقایان اکثریت هم در آتیه چون آنها متکی بسدک حزبی هستند روی مرام ما جواب بدهند و روی مرام ما با ما صحبت پارلمانی در این مدت تعطیل شده بود حالا که بحمدالله مجلس شورای ملی تشکیل شده است و دولت هم معرفی شده است و در مجلس یک اکثریتی هست و یک اقلیتی، بنده اجازه میخواهم از آقایان که یک چند کلمه راجع باین مسئله عرض کنم و در واقع حدود تکلیف این سه ارکان ، این سه دستگاه که دستگاه هیئت دولت و اکثریت مجلس و اقلیت مجلس است . روابطشان محدودشان روی اصول و مقررات و رسوم پارلمانی مشخص شود . یک اکثریتی هست که قسمت اعظمش خودش را متکی بیک حزبی میداند ، یک اقلیتی هم هست که تشکیل شده است از یک کسبون موسوم بفرانکسیون اتحاد ملی و یک عده ای هم از متفردین که متفردین با این فرانسوی اتحاد ملی در مشی اقلیت همکاری میکنند و ائتلاف دارند اما ما که در اقلیت هستیم از روش اکثریت بکفتری گله داریم بعضی اینک کارها وارونه شده باشد ، در پارلمانها همیشه اکثریت زمامداری میکند و اقلیت هم اعتراض میکند و این حق مشروع است و این حق را از اقلیت نمیشود سلب کرد . در هر رژیم بیک اقلیتی ، یک متعترضی لازم است تا اینکه تعدیل کند کارها را . بنده خوب خاطر می آید یک شبی در هیئت وزیران اعلیحضرت فقید رو کردند با فرمودند که در این رژیم شما ، در این دستگاه شما اقلیت نیست ؟ این عین عبارتشان است ، ما نمیدانستیم چه جواب بدهیم ، فرمودند چرا اقلیت هست ، در اینجا هم اقلیت هست بعد خودشان فرمودند اقلیت در این دستگاه من هستم ، شما ما کار میکنید و منم بشما اعتراض میکنم و شما را تعدیل میکنم و با اعتراضات و مواخذه هایتیکه از شما میکنم شما مجبور میشوید بکار کردن ، پس وقتی که حتی در رژیم معروف بر رژیم دیکتاتوری یک اقلیتی لازم باشد مسلماً در رژیم پارلمانی لازم است .

گله ما از اکثریت چیست ؟ اکثریت ، اتفاقاً در اکثریت بنده بعضی از آقایان نمایندگان را مبینم که واقفاً حیف هستند برای اکثریت ، حقیق این بود که در اقلیت باشند (بعضی از نمایندگان - صحیح است) (بعضی از نمایندگان - خیر اینطور نیست) (زنک رئیس) ما اعتراض میکنیم رویه تا بحال این بوده که ما وقتی اعتراض میکنیم عوض اینکه جواب اعتراض را بدهند شروع میکنند به ناسزا و بدگویی بمتعرض بخودش ، به پدرش ، بکسانش ، این رویه پارلمانی نیست و ما حقیقه گله داریم از این مسئله اگر میخواهید اقلیت بشوید بیاید توی اقلیت و با ما

همکاری کنید ، ما همه چیز را برای اکثریت قائل هستیم ، همه وسایل دولتی ، مزابا همه چیز دست شما است ، یک اعتراضی هم برای ما است ، این را برای ما بشناسید و ما هم ، ما اقلیت هم بایستی این را عرض کنیم خدمت آقایان که اقلیت ما هم صرف این که یک عده دور هم جمع شده اند اسمشان را گذارده اند اقلیت نیست ، همانطوریکه آقایان اکثریت دارید و متکی به یک حزبی هستید ما هم دارای فرانکسیون اتحاد ملی که یک فرانکسیون تشکیل شده است ، یک مرامی دارد و روی یک اصولی ما جمع شده ایم و بقیه شرافت متعهد شده ایم که این مرام را در مجلس شورای ملی تعقیب کنیم و بیاناتی که بنده امروز این جا میکنم ، اعتراضاتی که بدولت خواهم کرد روی این مرام است و بنده انتظار دارم آقایان اکثریت هم در آتیه چون آنها متکی بسدک حزبی هستند روی مرام ما جواب بدهند و روی مرام ما با ما صحبت پارلمانی در این مدت تعطیل شده بود حالا که بحمدالله مجلس شورای ملی تشکیل شده است و دولت هم معرفی شده است و در مجلس یک اکثریتی هست و یک اقلیتی، بنده اجازه میخواهم از آقایان که یک چند کلمه راجع باین مسئله عرض کنم و در واقع حدود تکلیف این سه ارکان ، این سه دستگاه که دستگاه هیئت دولت و اکثریت مجلس و اقلیت مجلس است . روابطشان محدودشان روی اصول و مقررات و رسوم پارلمانی مشخص شود . یک اکثریتی هست که قسمت اعظمش خودش را متکی بیک حزبی میداند ، یک اقلیتی هم هست که تشکیل شده است از یک کسبون موسوم بفرانکسیون اتحاد ملی و یک عده ای هم از متفردین که متفردین با این فرانسوی اتحاد ملی در مشی اقلیت همکاری میکنند و ائتلاف دارند اما ما که در اقلیت هستیم از روش اکثریت بکفتری گله داریم بعضی اینک کارها وارونه شده باشد ، در پارلمانها همیشه اکثریت زمامداری میکند و اقلیت هم اعتراض میکند و این حق مشروع است و این حق را از اقلیت نمیشود سلب کرد . در هر رژیم بیک اقلیتی ، یک متعترضی لازم است تا اینکه تعدیل کند کارها را . بنده خوب خاطر می آید یک شبی در هیئت وزیران اعلیحضرت فقید رو کردند با فرمودند که در این رژیم شما ، در این دستگاه شما اقلیت نیست ؟ این عین عبارتشان است ، ما نمیدانستیم چه جواب بدهیم ، فرمودند چرا اقلیت هست ، در اینجا هم اقلیت هست بعد خودشان فرمودند اقلیت در این دستگاه من هستم ، شما ما کار میکنید و منم بشما اعتراض میکنم و شما را تعدیل میکنم و با اعتراضات و مواخذه هایتیکه از شما میکنم شما مجبور میشوید بکار کردن ، پس وقتی که حتی در رژیم معروف بر رژیم دیکتاتوری یک اقلیتی لازم باشد مسلماً در رژیم پارلمانی لازم است .

گله ما از اکثریت چیست ؟ اکثریت ، اتفاقاً در اکثریت بنده بعضی از آقایان نمایندگان را مبینم که واقفاً حیف هستند برای اکثریت ، حقیق این بود که در اقلیت باشند (بعضی از نمایندگان - صحیح است) (بعضی از نمایندگان - خیر اینطور نیست) (زنک رئیس) ما اعتراض میکنم رویه تا بحال این بوده که ما وقتی اعتراض میکنیم عوض اینکه جواب اعتراض را بدهند شروع میکنند به ناسزا و بدگویی بمتعرض بخودش ، به پدرش ، بکسانش ، این رویه پارلمانی نیست و ما حقیقه گله داریم از این مسئله اگر میخواهید اقلیت بشوید بیاید توی اقلیت و با ما

بکنند و همانطور که عرض کردم این وحدت را بین تمام ایرانیان و تمام صنوف و تمام طبقات و تمام دستجات ایجاد بکنند ، ولی ایشان بر عکس از ابتدای زمامداری کار را طوری بر داشت کردند که با آن روحیه ای که در مردم ایجاد شده بود ، با آن روحیه ای که حاضر بودند استقبال بکنند هر کسی که بخواهد بوحثت کلمه ایران را جمع بکنند این طور نشد . ایشان بر عکس از ابتدای زمامداریشان شروع کردند بتولید نفاق و دو دستگی و ترجیح دادن یک عده بر دیگران و جمع کردن دور خودشان یک اشخاصی را که اغلب آقایان می شناسند . بنده لازم نیست اسم ببرم . پررور آقای امامانی اشاره بحجب آقای نخست وزیر کردند ، من نمی دانم حجب است یا هرچه هست نتیجه اش یکی است ، نتیجه اش این شده که در این کشور در هفده ماه یک حکومت ترور ، یک حکومتی که زیر پا بگذارد تمام قوانین را برپا کردند ، رجال را حبس ، تبعید کردند و آن هائی را هم که تبعید نکردند چهار یک وضعیتی مثل تبعید تحت نظر تفیش بودند (مهندس رضوی - نمونه کوچکی از حکومت دوره رضا شاه) آنها باید جدا گانه صحبت بکنیم (نراقی - زمان وزارت دادگستری شما) طوری طبقات را بجان هم انداخت این دستگاه سازمانهای چاقو کشی که حتی بجوانهای این کشور جوانهای دانشجوی این کشور هم رحم نکردند . جوانهای کشور در تمام دنیا مشغول اصلاحات هستند (صحیح است) .

مهندس رضوی - بنده تصدیق میکنم اما عملیات خود حضرت تعالی را در آندوره ها فراموش نمی کنم .

دکتر متین دفتری - هر وقت موضوع بنده طرح شد البته آن وقت دفاع خواهم کرد . حالا موضوع برنامه است حتی کسانی دور ایشان بودند که بر خلاف رژیم کشور بر علیه رژیم کشور با تجزیه طلبان مملکت توطئه داشتند ، تباخی داشتند ، و اگر تکذیب بشود اینک تدبیر قانع نمیشوم وقتیکه بیرونده ما مراجعه شد آنوقت مطب روشن میشود . ممکن است که آقای نخست وزیر بفرمایند که بن مر بربوط نیست ، من مشول اعمال کسانیکه دور بر من بودند نیست ولی این جواب دارد ، مکرر در مکرر خیر خواهان ایشان با ایشان تذکره دادند ولی ایشان اظهار علاقه کردند بنگاهداری آنان و بعد هم فراموش نمیکند که آقای نخست وزیر در موقمی که یک قیامی در جنوب شد یک تلگرافی به ناصر خان قشقائی کردند ، ایشان گفتند در آن تکرار بناصر خان که وزرای من ، وزرای کابینه من بدون اجازه من هیچکاری نمیتوانند بکنند ، اطرافیان من بدون اجازه من هیچکاری نمیتوانند بکنند ، یعنی دولت من هستم . حالا نمیدانم ایشان در این عقیده خودشان باقی هستند ؟ این حرف دولت منم آقایان همه میدانند که دولت منم ه حرف یکی از مستبدین دنیا است و آیا در این عقیده خودشان باقی هستند ؟ و آیا این هیئت وزرائی که امروز بپجلس معرفی کردند با این عقیده معرفی کردند ؟ یا اینکه آقایان وزیر تمام مطابق قانون اساسی هستند . باز هم تکرار میکنم که البته وجود حزب لازم است ما منفی باف

نستیم ، ما خودمان که فراکسیون تشکیل دادیم روی یک کمرای فراکسیون تشکیل دادیم ، بنده افتخار عضویت این فراکسیون را دارم و همه مان در مجلس روی مرام همکاری میکنیم شما حزبدارید ، حزبان باید روی یک اساس دموکراتیک باشد ، ما هم شاید موفق بشویم ، احزاب خارج ، رفقای خارج ، اینها باهم نزدیک شوند حزب درست کنند روی یک اساس ملی یک حزبی بسازند این دو حزب مقابل همدیگر شرافتمندانه مبارزه بکنند . بنده قول میدهم که هر وقت مصالح عالی کشور در خطر باشد حزب و اختلافات حزبی را میگذاریم کنار ، اختلافات فراکسیونها را میگذاریم کنار و برای حفظ مصالح کشور حاضر به همکاری هستیم . (صحیح است - انشاء الله) چندی قبل که در موضوع انتخابات صحبت بود یکی از نمایندگان محترم منتسب بفراکسیون دموکرات اینجا آمدند و اعتراف کردند که ما چاقو کش تجهیز کردیم ، دستجات چاقو کشی تجهیز کردیم و گفتند که ما این چاقو کشهارا تجهیز کردیم برای مبارزه با اشخاص ماجراجو ، بادستجات ماجراجو باتجزیه طلبها بنده نتوانستم بفهمم در کشور ، در یک کشور منظمی که دارای سازمان منظم باشد احتیاج به چاقو کش نیست . وقتیکه دولت متکی بقانون باشد و متکی بقوای تأمینیه رسمی کشور باشد احتیاج به چاقو کشی نیست ، چاقو کشی چاقو کش ایجاد میکند ، آنوقت کارهای سیاست مملکت میافتد توی کتوچه ها ، زنده باد مرده باد ، خونریزی ، آنوقت ما که فراموش نکردیم امروز های آخر دوره چهاردهم را آنروزهایی که مجلس باید تصمیمات مهمی بگیرد و لاقبل یک تکلیفی برای دوره فترت معین بکنند آمدند و رو بختند و بعد هم رئیس مجلس اخطار کردند که مجلس در خطر است ، مجلس حافظ امور مستحفظ بقدر کفایت ندارد و کلارامه رعب کردند و کلام تفرق شدند بدون آنکه تعیین تکلیفی برای دوره فترت معین بکنند (صحیح است) حالا گذشته ها گذشت (دکتر معظمی - آقای دکتر آنوکیلی که میترسد نیافت این کرسی را ندارد) (فولادوند - استدها میکنم این وکیل را اسمش را ببرید) (اردلان - ما تا آخرین دقیقه اینجا بودیم) حالا انتظار داریم که اقلا این تجهیزات این کارها بهش خاتمه داده شود ، حزب بایستی متکی بنیروی افراد به نیروی افراد خودش ، اعضای خودش ، هم نیروی مالی هم نیروی سعی و عمل افراد خودش باشد ، روی مرام خودش تبلیغ بکند ما هم که اینجا ما بحث میکنیم اقلیت و اکثریت روی مرام باشد و این تجهیزات و تشکیلاتی که مملکت را بغض میاندازد و مسائل سیاسی داخل کتوچه و بازارها وزد و خوردها میشود اینها در این مملکت بایستی موقوف بشود ، اینها یادگارهایی است که متأسفانه از اشغال ایران پیش آمده است ما از این چیزها نداشتیم . خوب یاد میآید که یک شب اول سال اروپائی بود . شرکت هواپیمائی ایران دعوتی کرده بود در آنجا بعضی از نمایندگان خارجی هم بودند . منادان بود بازمان انتخابات طهران ، آن هجومی که بدانشگاه آورده بودند و بحزب مردم و سایر دستجات هجوم آورده بودند ، آنجا باصلاح موضوع صحبت روز بعد بعضی از آقایان صحبت میکردند ، یکی از آن آقایان نمایندگان خارجی گفت من یک

ما راضی هستیم ۵ سال کشور را اشغال کردند ، تمام سازمان و استروکتور و تجهیزات و استقلال اقتصادی کشور ما را از هم یا شنیدند ، ما رها بکند و بیایدند و حالا باید خوش وقت بشویم که دو سال و نیم بعد از جنگ الحده الله مرزهایمان دست خودمان است ؟ در صورتیکه خیلی چیزهای دیگر هم هست خساراتی که باین کشور وارد آمده است باید جبران بشود . در این مدت لا اقل برای وصول خساراتی که برآه آهن وارد شده بود چه کردند؟ مطالبات راه آهن ما را بدهند تا هیچ کم کم نمیخواهیم امروز حتی کشور های مغلوب آنها تیکه در صف مغلوبین بودند با آنها کمک میشد ولی ما در صف غالبین بودیم و لقب یل پیروزی بما دادند (مهندس رضوی - خدا ما را بروز آنها نیندازد) . موقعیت دوم که در برنامه اشاره شده « موضوع مشکل و بفرنج آذربایجان و کردستان بانام موانع و محظوراتی که در کار بود بحسن تدبیر و بازحات و فداکاری های شبانه روزی خاتمه پذیرفت (آصف - یعنی یک قسمت از کردستان) (اردلان - صحیح است ، یعنی مهاباد) البته کسی نیست که از نجات آذربایجان خوشوقت نباشد ، اگر کسی ایرانی باشد بایستی با آقای نخست وزیر تذکر بدهم که خاطر نان هست این دفعه اولی نبود که فترت در ایران پیش آمد فترت های طولانی تر ما داشتیم ، در آن مواقع باریک رجیل مملکت ، رئیس الوزرا های وقت همیشه در مواقع فوق العاده مردم را بانجاد دعوت میکردند . بنده خوب بخاطر میآید که وقتی مسائل مهمی در کشور پیش میآید نخست وزیر های وقت از تمام رجال مملکت ، از تمام طبقات تجار ، وزرای سابق ، رئیس الوزرا های سابق ، و کلای سابق ، حتی وکلای آن آخرین دوره را که در طهران بودند جمع میکردند . مشورت میکردند و باهم همکاری می کردند ، حالا چطور شد ، است و ما بچه بد بختی گرفتار شده ایم که در مملکت ما عوض اینکه مسائل مشورتی رو بترقی برود اینطور باید عقب برود که در این دوره عوض اینکه رجال و طبقات مختلفه را دعوت بانجاد بکنیم با این عنوانی که خودشان می کنند با این روحیه ای کدر ایرانیان بود عوض اینکه از مردم استفاد بکنند ، همفکری بکنند ، ودعوت به اتحاد بکنند این کارها شد در این کشور ؟ این مقدمه ای از هرایش بنده بود . حالا وارد میشویم در بحث در مقدمات برنامه ، آقای نخست وزیر در برنامه شان نوشته اند که در این دوره فترت موفقیت هائی نصیبشان شده . لازم میدانم باختصار موفقیت هائی که بدست آمده است گوشزد آقایان نمایندگان بسازم بنده راجع بهمه اش صحبتی ندارم . بنده راجع بچند فقره از آن موفقیتها - موضوع از آن موفقیتها میخواهم صحبت کنم . اولیش راجع باین جمله است مینویسند که « استقلال اقتصادی کشور که در مدت پنجسال لفظ بی معنائی شده بود کم کم مفهوم خود را بدست آورد مرز های کشور تحت مراقبت و یاسبانی مأمورین ایرانی قرار گرفت تعرفه گمرکی که چند سال اجرا نمیشد بوضع اجرا در آمد و تجاوزات اقتصادی خاتمه پذیرفت » دست شما درد نکند (خنده نمایندگان) حقیقه که بایستی یک رئیس دولتی این طور اظهار خوشوقتی بکنند و اعتراف بکنند که

میکرد روحیه آذربایجانها ، قوه مقاومت اهالی آذربایجان از بین رفت . خبط دوم شناختن متجاسرین بود و مقوله نامه بستن با آنها ، اگر نمی بستند چه میکردند آنها ؟ همان متجاسر باقی میمانند چه لزوم داشت دولت متجاسرین را بشناسند و با آنها مقوله نامه و قرار داد ببنند ؟ در اعلامیه های دولت چه لزوم داشت آقای نخست وزیر بنویسند جناب آقای پیشه وری ؟ برای خوش آمد آنها و برای اینکه فحش بدهند بکلای دوره چهاردهم و بتمام رجال مملکت خودشان و آنها را مرتجع بخوانند فقط برای دلخوشی آقای پیشه وری ؟ قدم سومش یعنی خبط سوم که باز روحیه آذربایجانرا متزلزل کرد شرکت دادن طرفداران تجزیه آذربایجان در کابینه خودشان بود ، آقایان همه میدانند کسانی که طرفدار تجزیه طلبان بودند در کابینه ایشان وارد شدند و چندین ماه با ایشان همکاری میکردند ، ملاحظه میفرمائید یک دولتی که طرفداران تجزیه طلبان در آن حضوت داشته باشند دیگر در آذربایجان چه روحیه ای باقی میماند ؟ خبط چهارم کمک های مالی بود که با آنها میکردند ، حتی از کمک مالی درباره متجاسرین دولت مضایقه نکرد ، درست شاید یکماه قبل از سقوط متجاسرین بود که بامر دولت مقرر شده بود دو میلیون تومان از طهران پول فرستاده شود بعنوان کمک بودجه ادارات آذربایجان ، در صورتیکه متجاسرین را اگر بچال خودشان واگذار میکردند همه آقایان میدانند که دچار یک بحران مالی بزرگی شده بودند و همین بحران مالی ممکن بود آنها را از بین ببرد ، خوشبختانه بواسطه مقاومت ادارات و آن کندهائی که در ادارات هست موفق نشدند که این دو میلیون را بفرستند ، یک قسمتش فرستاده شد و یک قسمتش هم ماند که البته سهمی دارند در این مسئله ، ولی نمیشود انکار کرد که یک خبطهای بزرگی دولت کرد که نجات آذربایجانرا بتأخیر انداخت و این خبطها طوری مؤثر بود که اگر خدای نخواست اوضاع بین المللی مساعد نمیشد برای نجات آذر بایجان این خبطها بقدری مؤثر بود که زبان من لال خدای نکرده ممکن بود آذر بایجان از بین برود . خبط بزرگ دولت همان تصمیمی بود که آنروز هم آقای مابقانی اشاره کردند بآن ، منتهی خیلی در برده و آنرا تفسیر کردند به کایتو لاسیون . یک دولتی دست خودش را ببندد ، حاکمیت خودش را محدود بکنند برنامه شان نوشته اند که در این دوره فترت موفقیت هائی نصیبشان شده . لازم میدانم باختصار موفقیت هائی که بدست آمده است گوشزد آقایان نمایندگان بسازم بنده راجع بهمه اش صحبتی ندارم . بنده راجع بچند فقره از آن موفقیتها - موضوع از آن موفقیتها میخواهم صحبت کنم . اولیش راجع باین جمله است مینویسند که « استقلال اقتصادی کشور که در مدت پنجسال لفظ بی معنائی شده بود کم کم مفهوم خود را بدست آورد مرز های کشور تحت مراقبت و یاسبانی مأمورین ایرانی قرار گرفت تعرفه گمرکی که چند سال اجرا نمیشد بوضع اجرا در آمد و تجاوزات اقتصادی خاتمه پذیرفت » دست شما درد نکند (خنده نمایندگان) حقیقه که بایستی یک رئیس دولتی این طور اظهار خوشوقتی بکنند و اعتراف بکنند که

دوندگی دیروز از طرف وزارت کشور بخزانه داری کل ارسال امید است در این دوسه روزه به تبریز حواله شود » حالا از آقایان میپرسم انصاف هست باین تقویت هائی که دولت از متجاسرین کرده است (مهندس رضوی - مافکر میکنیم کابینه تا کتیک سیاسی بوده است) (یکی از نمایندگان - بگذارید حرفشرا بزند) (مکی - چطور از طرف شما مجاز است) باین تزلزل روحیه که در اهالی آذربایجان بود اگر یک بدبخت هائی ، چهار تارعبت ، کاسب از نظر اضطرار و از نظر تأسی ازدولت بادستگاه متجاسرین همکاری یعنی زندگی کرده باشد امروز اینها را تعقیب میکنند و بعضی از این اشخاص را حبس میکنند و آن مسبین واقعی این بساط تجزیه طلبی همینطور فرین افتخارات باشند و با کمال آزادی و خوشی زندگانی بکنند ؟ حالا از اینها گذشته اینها تا کتیک سیاسی بود ، بسیار خوب حالا به بنیم از زمان سقوط آذربایجان ، در واقع برای این آذربایجانیکه پیش از یکسال اینطور دچار زحمت شد ، اینطور خونها ریخته شد و اموالش فارت شد برای مرمت این بدبختی ها دولت چه کرده ؟ از اطلاعاتی که به بنده رسیده از یکمده از شاگردان سابق خود بنده که از آذربایجان هستند از آنجا درد دل هائی میکنند و کافد هائی مینویسند بنده یک قسمت از آنها را برای آقایان میخوانم میگوید که عمال دولتی از روزی که پای بغاک آذربایجان گذاشته اند بجای آنکه در جلب قلوب مردم بکوشند همچون فارتگران با گروهی از مالکین دست بیکی کرده واز هیچ ظلم و ستمی فروگذار نمیکند ، دهقانان نهم و جاهل را که ندانسته وارد فرقه دموکرات شده بودند چون قرون وسطی و زمان تقیث عقاید بچوب می بندند و چهار میخ میکنند « (یکی از نمایندگان - اینطور نیست) بلی جوان است کهنوشه (فولادوند - این را آقایان مالکین آذربایجان باید جواب بدهند) دیگری مینویسد که « کله اهالی این است که مسبین اصلی نه تنها مجازات ندیدند (اسمی آنها را برده که بنده نمیخواهم اسمی را بخوانم) و صد ها افراد آنها آزادند همچنین دکترا جاوید و شستری از طرف دولت حمایت میشوند (صحیح است) رسیدگی بوضع پرونده های متهمین و بازداشت شدگان بسیار کندیش میروند مینویسد که « مأمور خوی کسی کدر خوی است از یک طرف کشاورزان را تهدید میکنند که ۱۰٪ حق شما است و از مالکین بگیرید و از طرف دیگر مالکین را تشویق میکنند که چون هنوز تصویب نشده اند و اینطور نفاق میاندازد و استفاده میکند ، بلی بعد از توصیف هائی از طرف دارائی مینویسد « دیگر بالاخره صدور احشام از مرز بظرف ترکیه آذربایجان را دچار مضیبه زندگی خواهد کرد » و بالاخره میگوید « راههای آذربایجان در نتیجه کثرت رفت و آمد غیر قابل استفاده شده اند خلاصه برای تهیه کار در آذربایجان اقدام مؤثری نشده است » راجع بهداری مینویسد که « چهار ماه است حقوق کارمندان بهداری آذربایجان را نداده اند » اینطور مینویسد « از وزیر بهداری باید پرسید که این مأمورین بیچاره از فروش داروهای شما نان بخورند ، بعدیک شرحی از مأمور بهداری آنجا که راجع بشیر و خورشید سرخ یک مطالبی مینویسد و خلاصه آخرش عبارات را میگوید « انتخابات آذربایجان بادستور دولت عملی خواهد شد و حواله مغارج آن پس از مدتی

آذربایجان با وجود تحمل اینهمه مفاسد یک نکته مهم را از نمایندگان خود انتظار دارند که بگوش ملت برسانند که هلی رفم تمایلات بعضی از عناصر در طهران بساط پیشه وری بپوشد و به هیچ بهانه تکرار نخواهد شد ولی اهالی آذربایجان بنام پادشاه مقاومتها و خدمات خود انتظار توجه بیشتری دارند (صحیح است) یکی از انتظارات ما مسئله دانشگاه تبریز است که این متجاسرین بساطه مظالمی که در آنجا کردند برای اینکه کار تبلیغاتی هم کرده باشند یک دانشگاهی تأسیس کردند که این دانشگاه دایر بود بعد از خلاصی آذربایجان این دانشگاه همانطور بچال بلا تکلیفی باقی مانده بالاخره هر چه هم دولت میگوید مقدمات دارد فراهم میشود ، بالاخره امروز که روز آخر شهریور و اول سال تحصیلی است هنوز یک اقدام عملی برای تأسیس دانشگاه تبریز نشده است (صحیح است) جوانها آنجا بلا تکلیف هستند و دائماً بپاها مینویسند ولی ما گرفتار آن روتین وزارت فرهنگ و سایر دوائر مربوطه هستیم در صورتیکه بایستی تصدیق بفرمائید آقایان که اساساً شهر تبریز نظر بهیمتی که دارد میبایستی خیلی پیش از اینها در آنجا دانشگاه تأسیس شده باشد (صحیح است) بخصوص از همه قسمتها مهمتر دانشکده پزشکی است ، بنده خاطر میآید وقتیکه خود بنده در کار دولت دخالت داشتم و در زمانی که در وزارت دادگستری بودم و ریاست کل بازرسی کشور بامن بود در اغلب شهرستان های ایران سر کشی میکردم نه فقط برای دستکاه قضائی بلکه برای تمام شئون کشور ، مسئله ای که بیش از هر چیز توجه بنده را جلب میکرد مسئله بهداری بود چون بنده اساس اصلاحات این کشور را بهداری میدانم (صحیح است) تا ما مردم سالم نداشته باشیم ممکن نیست هیچ اصلاحی در این کشور پیشرفت بکند . مثلاً بنده یاد میآید یکوقتی در کردستان بودم در حوزة انتخابی آقای اردلان ، گفتند بین که شهر سنندج بین چهار نفر کلمی تقسیم شده است یعنی نقشه شهر را کشیده اند گذاشته اند جنو خودشان و شهر را تقسیم کرده اند بچهار منطقه که چهار نفر کلمی که نمیدانم سابق عطار بودند اینها امور بهداری این شهر را بعده گرفته اند و هیچ از مرز خودشان تجاوز نمیکند و از صبح اول آفتاب این بهودی راه میافتد عقب مردم و آدم کشی باصلاح ، خیلی متأثر شدم (آصف - حالا بکلی آنها منع شده اند) بنده عرض کردم این مال هشت سال پیش است آقا . بنده معتقد شدم که بایستی یک فکر اساسی برای بهداری کشور کرد ، هر قدر بودجه بوزارت بهداری بدهند مادامیکه عده کافی پزشک در کشور نباشد این عملی نیست ، پولها بتدبیر خواهد شد صرف امور اداری و میز و سندی و اتومبیل و سایر چیزها خواهد شد ، باین مناسبت بود که دولت در آن وقت تصمیم گرفت اصلاح بهداری را از دانشکده پزشکی شروع کند و یروفور ایرلین برای همین منظور خواسته شد و تمام اختیارات به یروفور ایرلین داده شد برای اینکه بهداری را از پایه درست بکنند . برای بهداری یک دانش طبیب لازم است برای مبارزه در این ولایات . با این مرضهای بزرگ مثل مالاریا و سایر امراضی که هستند . اینها مبارزه بزرگ لازم دارد و ما برخورداریم باین نکته که تکمیل

دانشکده پزشکی در تهران کافی نیست برای این که فارغ التحصیلان دانشکده پزشکی در تهران اکثر آبیرون نیرومند ، آقای حکمت هم یک قانون گذرانندند مشروط بر اینکه دوسال در خارج توقف کنند ، و آن هم که وسائل تعریف قانون خیلی آسان است مثلا میرفتند بیمارستان فیروز آبادی و میگفتند این خارج از تهران است ، دو سال میمانند این بود که ما تصمیم گرفتیم که دانشکده های پزشکی در مرکز استان تأسیس بکنیم و خود بنده مراقبت کردم و اولین دانشکده در شهر مشهد دایر شد بمناسبت بودن مریشخانه و بلافاصله در شهر تبریز و اصفهان و شیراز بنا بود تأسیس شود خلاصه مسئله دانشکده و بهداری چه برای آذربایجان باشد چه برای سایر جاها باشد خیلی لازم است وقتی که ما موفق بشویم که یک دانشکده پزشکی در شهر تبریز دایر شود و اهالی آذربایجان آنجا تحصیل بکنند با این وضع وزارت بهداری موفق خواهد شد که در تمام نقاط جبه آذربایجان پزشک بفرستد ولی از تهران البته نیرومند ... این جا که اسم بهداری آوردم یک مطلبی یاد آمد که در آن مقدمه میبایستی عرض کرده باشم ولی فراموش کردم ، برای بهداری کشور هر کس هر خدمتی میتواند بکند بایستی قابل تقدیر باشد ، چند روز پیش بمن خبر دادند که آقای حاج سیدرضا فیروز آبادی مریشخانه ای که باسم او است ، مردم این شهر همه میدانند یک مریشخانه است در شهر ری واسه مریشخانه فیروز آبادی است و این مرد سالها در تأسیس این مریشخانه زحمت کشیده و شخصی هم هست که مورد احترام همه آقایان است در دوره پیش هم وکیل بوده است در این مجلس ، بنده شنیدم که تصمیم گرفته اند این مرد را به بیمارستان راه ندهند و چند روز پیش شاهدش ذکر میکرد که در حضور یکی از محترمین خواسته است برود مریشخانه و آنجا را دیدن کند حالا وزارت بهداری یا رئیس آنجا قفسن کرده که فیروز آبادی در مریشخانه فیروز آبادی نباید وارد بشود بنده نمیدانم حالا این تشویق است که از مردم میشود ، بنده چه عرض کنم صحت و سقمش را باید آقای وزیر بهداری تحقیق کنند از این سه موضوع که گذشتیم وارد اصل برنامه میشویم بنده راجع به ماده از برنامه صحبت خواهم کرد یکی راجع به سیاست خارجی در برنامه این عبارت هست ، مینویسند که در روابط خارجی دوستی واصل احترام کامل مقابل ... این یک فرمول کهنه و کلاسیکی است که همیشه زینت تمام برنامه های دولتهای گذشته بود در ادواریکه فرشته صلح سرتاسر جهان را زیر بال و پر خود گرفته و باصلاح کرب و بره از یک جوی آب میخوردند یک همچو فرمولی برای سیاست خارجی در برنامه گذاشتن کافی است نه در عصری که انواع جنگ هنوز از آتشی که شش سال در جهان افتاده بود ، فارغ نشده باز مارا دچار دغدغه واضطراب میکند ، امروز تمام ملل عالم ، اگر آقایان خوب توجه کرده باشند ، تمام ملل عالم متوجه یک نکته هستند و آن امنیت بین المللی است ، ملل نگران امنیت بین المللی خودشان هستند (صحیح است) حتی دولتهای امریکا ، دولت اتانزونی حتی دولت اتانزونی که آنور اقیانوس ها است از امنیت خودش اظهار نگرانی میکند چه رسد به ما این

وضعیت جغرافیائی که داریم . تشریح وضعیت جغرافیائی ایران مسائلی نیست که بنده بیاناتی بکنم ، وقتی ما تجربه ای که در دوره جنگ بین المللی کرده ایم در نظر بگیریم خوب مجسم میشود که وضعیت جغرافیائی ایران خیلی وضعیت دقیق و حساس و قابل توجهی است (بعضی از نمایندگان ... همیشه بوده) بلی همیشه بوده است در آن جنگ بین المللی اول البته دولت خودش را بیطرف اعلام کرد ولی بیطرفش را رعایت نکردند و از همان اول کار فتوهای مختلف آمدند و ایران را اشغال کردند و فقط فرقی که آن جنگ با این جنگ داشت این بود که با واسطه تصادف و با بواسطه عقل رجال یا بواسطه انصاف متخاصمین آن اندازه ضرر اقتصادی در این جنگ که یک کشور ما وارد شد در آن جنگ وارد نشد . پول زیادی ، بیشترش هم پول طلا ، متخاصمین می آوردند در این کشور خرج میکردند بقیه روز ، و پول فراوانی در این کشور جمع شد . البته نمیخواهم عرض کنم که خساراتی باین کشور وارد نشد ولی بالنسبه در مقابل آن نهب و غارتهائی که در بعضی از نواحی ایران شده افلا از نظر اقتصادی و از نظر پولی یک منافی هم عاید این کشور شد . اما در این جنگ دوم بواسطه سهل انگاری دولتهای ما ، دولتهای ضعیف با مستضعف بگویم ، طوری شالوده کار را ریختند از اول که واقعا ما را سوق دادند بطرف انقراض اقتصادی (صحیح است) مهندس رضوی - مخصوصاً لیره را از ۸ تومان بردند به ۱۴ تومان و خوردن با یک دلایل واهی (ملک مدنی - از ۶ تومان و خورده ای) . در این جنگ دوم تصمیم قطعی دولت حفظ بیطرفی بود و انصافاً بنده میتوانم بآقایان عرض کنم چون خودم قریب یکسال شاهد بودم و وارد بودم در کار و دیدم که واقعا اهل حضرت فقید بر حسب امر ایشان دولت ایران جازم و ساهی بود در حفظ بیطرفی این هیچ تردید ندارد (صحیح است) حتی در سال ۱۳۱۸ ، بنده یک مسائلی که شاید بعضی هایش هنوز افشا شده باشد عرض می کنم خدمتان ، در سال ۱۳۱۸ موقی بود که یک قوای بزرگی از طرف متفقین دسوریه جمع شده بود در تحت فرماندهی ژنرال ویگان ، یک قوای زیادی هم دولت شوروی جمع کرده بود در مرز ایران ، در مرز آذربایجان ، این دو قوه همدیگر را تهدید میکردند برای اینکه آن وقت آنها با هم متفق نبودند ، این ما میخواستند بهانه ای بدست بیاورند که زود تر بتوانند خاک ایسران را اشغال بکنند و خودشان را زودتر بیاد کوبه برسانند ، آن ها هم میخواستند پیشدستی بکنند و قول از اینکه یک بهانه ای بدست آنها بیفتد و یک عملی بکنند زودتر بیایند ، هر دو منتظر یک فرصت و یک بهانه ای بودند و وضعیت ایران فوق العاده دچار مخاطره بود و ما هر روز انتظار اشغال ایران را داشتیم ، خلاصه بنده خوب به خاطر دارم که آن روز ها بعد از اکثر بحرانی رسید و انتظار وقوع این حادثه ، این سانحه را داشتیم حتی یک روزی اهل حضرت فقید خیلی متأثر بودند و نگران بودند بنده مأموریت دادم که با بعضی از آقایان وزراء مشورتی بکنیم که چه باید کرد ، چه پیش بینی هائی نباید کرد برای احتراز از این پیش آمد ، این

پیش آمد حتمی الوقوع . بنده با بعضی از آقایان صحبت کردم راجع به مناسبات خارجی و اینها که اگر با حمله بکنند تکلیف ما چیست ؟ و خلاصه بعضی از آقایان وزراء اخیراً این عقیده را دارند حالا چون جنگ تمام شده افشا این حرفها ضرری ندارد بعضی از آقایان وزراء این عقیده را داشتند که ما با متفقین بفرمانیم که اگر با حمله کردند ما دفاع خواهیم کرد همین اندازه بنده گزارش کردم به رض شاه رساندم شاه خیلی متغیر شدند فرمودند خیر ما از هر کاری ازهر مذاکره ای که ما را وارد بکند دست بندیم بکنند باید احترام بکنیم ، اگر بخواهیم وارد دست بندیم سیاسی بشویم حتماً در مخاطره واقع میشویم و ما را از بیطرفی خارج خواهند کرد و خیلی هم از این اظهار و از این تمسوه ناراضی شدند ، خوشبختانه مساعی بکار بردیم با حسن نیت (حالا این تفصیلی دارد) خوشبختانه موفق شدیم که همانروز- هائیکه انتظار ورود قشون اجنبی را در ایران داشتیم و اگر واقعا آمده بودند باور بفرمائید که یکاوضاع خیلی وخیمتر و خیلی بزرگتر از شهریور پیش میآمد برای اینکه در شهریور دو متفق ایران را اشغال کردند بر خلاف حق ولی آنجا صحبت این بود که دو دشمن بهم میریختند ، باهم مصادم میشدند و ایران وسط دو سنگ آسیا دفعتاً خورد و له میشد ، موقیبتی پیدا کردیم قرار دادهائی بستیم و خلاصه تضمین کردیم ، ایشان دادیم چیزی که طرفین متخاصمین بخصوص دولت شوروی رافانح کرد اطمینان دادیم که ما وارد هیچکدام از دست بندیهای بین المللی نیستیم ، مطمئن شدیم که ما واقعا بیطرفیم و میخواهیم بیطرف بمانیم در این جنگ ، این سوابق را البته باید در نظر گرفت و بوقیته بنده همیشه مصلحت ایران تا هر وقت باشد اگر یک جنگی پیش آمد بایستی ما در درجه اول سعی کنیم بیطرف باشیم ، وارد دست بندی نباشیم ، برای اینکه امتحان کردیم که آندمه بیطرفی و در این جنگ هم اول بیطرفی بد هم قرارداد اتحاد و وارد جنگ شدیم از این کار هیچ چیزی عاید ما نشد جز ضرر و زیان ، و هدف اصلی سیاست خارجی ما از امروز تا همیشه باید این باشد که امنیت بین المللی برای خودمان تأمین کنیم یعنی با وضعیت جغرافیائی که ما داریم کاری بکنیم که در جنگهای آتیه خطرانی که ایران را اشغال بکنند از احتراز بشود ، این باید هدف اصلی سیاست خارجی ما باشد برای همیشه . بله بنده خوشوقتیم که میبینم در این برنامه اضافه شده است که دولت ایران عضو متدیق سازمان ملل متفق میباشد اما بایستی که بدانیم که برای اینکه اطمینان حاصل کنیم از امنیت بین المللی خودمان بایستی متوجه دو نکته باشیم اولاً سازمان ملل متفق را درست بجا بیاوریم ، بعد هم اشکالی نباشد ، مبالغه نکنیم در این سازمان ملل متفق ، بطور خیلی خلاصه عرض میکنم ، وقتیکه هنوز جنگ تمام نشده بود و پیش بینی میکردند که برای صلح یک زمینه همکاری بین المللی بین دول متحد فراهم بکنند یک طرح منشوریکه معروف شد به طرح دیمبارترن ا کس تهیه شد و فرستادند برای دول متحد ، که یکی هم ایران بود ، که خودشان را آماده کنند که در کنفرانس - سانسکو در انجمن سانفرانسیسکو این طرح تصویب بشود و قطعی بشود که زمینه همکاری بین المللی بین کشورهای دنیا برقرار بشود

بجای جامعه ملل سابق در آن اوقات وزارت امور خارجه از بنده مشورت کرد این طرح را بمن دادند و گفتند شما مطالعه کنید اظهار نظر بکنید بنده هم مطالعه کردم و مقایسه کردم با جامعه ملل سابق در موقع تشکیل دیدم که جامعه ملل سابق تشکیل میشد اساساً از دو هیئت یکی هیئت مجمع عمومی که همه دول درش شریک هستند یکی هم شورائیکه فقط دول بزرگ و چند تا دولت درجه دوم بتناوب در آنجا وارد میشدند منتها در آن جامعه ملل سابق تمام مرکز نقل سازمان افتاده است در شورای امنیت و مجمع عمومی تکالیف مهمی ندارد انتخاب تکالیف داخلی ، انتخابات بعضی از قضات و از این چیزها ، خلاصه در حفظ امنیت بین المللی و حفظ صلح عالم این دستکاهیکه همه ملل درش شریک هستند بکامل مهمی بازی نمیکند بنده همان وقت اینها را تذکر داد و گفتم یک نکته مهم که باعث خوش وقتی ملل ضعیف بود و لااقل در اسانامه جامعه ملل سابق دیده میشد این بود که تمام دول عضو جامعه متعهد شدند بقبول بفظ تمامیت ارضی و استقلال سیاسی خودش و این اصل که معروف است باصل امنیت دسته جمعی در این منشور نیست بعد راجع به حق و تو همین حق و توبیگه امروز در اطرافش خیلی صحبت میشود بهضیاهم هنوز نمیدانند که این حق و توبیگه چیست در این موضوع اظهار نظر کردیم و تذکر دادیم که ما مسلمالاً از طرف مللی که در عرض ما هستند ملل کوچک با آن ها همصدا بشویم و یک اصلاحاتی در این منشور بکنیم و بهمت نمایندگان ما در سانفرانسیسکو و کمک سایر ملل تا اندازه ای این اصلاحات در منشور سانفرانسیسکو که معروف است منشور سازمان ملل متحد شد ، اما باید بدانیم آقایان که آن امنیت دسته جمعی بالاخره آنطوریکه باید بشود نشد و فقط اصلاحیه کردند این بود که تمام دول در جامعه سازمان ملل متفق احتراز میکنند از اینکه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی یک کشوری تعرض بجاآوری بکنند ولی اینکه ملتزم بشوند تمامیت ارضی و سیاسی یکدیگر را تضمین بکنند و تأمین بکنند همچو چیزی در منشور نیست ، که بنده حالا دیدم ، در سه روز قبل که تازه مستر مارشال باین فکر افتاده و در نطق اخیر خودش میگوید اعضاء انجمن ملل متحد بایستی در این فکر باشند که تمامیت ارضی و استقلال سیاسی یکدیگر را تأمین بکنند ، خلاصه وضع سازمان ملل متحد این است ، آقایان متوجه باشید ، درست بجا بیاورید سازمان ملل متحد را ، سازمان ملل متحد اختیارش دست شورای امنیت است شورای امنیت هم پایه اش باهم اتفاق دول بزرگ است ، مادام که دول بزرگ باهم اتفاق دارند البته این سازمان مؤثر است و نافذ است و میشود کلاً بهش اطمینان کرد ، اما آن روزیکه بین دول بزرگ اختلاف شد آن وقت این یک اصل صحیحی در سازمان ملل متحد نیست مگر تدابیر سیاسی و مذاکرات دیپلماتی و از این قبیل (یکی از نمایندگان - کسی اینچور نبوده ؟) خلاصه این است نمیخواهم عرض کنم که این جور نبود و میبایستی طوری دیگر باشد خواستم آنچه

هست باقیان عرض بکنم (صحیح است) البته تمام امیدواریهای ما امروز این است که همانطور که دولت در برنامه گفته ماهضو صدیق سازمان ملل متفق هستیم و البته باید عضو بیطرفی در سازمان ملل متفق باشیم و داخل هیچگونه دسته بندیهای نشویم و از این سازمان مثل یک سازمان استفاده بکنیم (صحیح است) ولی البته این را هم باید بدانیم که آن روزی که پایه این سازمان که اتفاق دول بزرگ است بهم خورد دیگر هر کس باید فکر خودش باشد ، خلاصه اش این است ، اگر خدای نخواست در این دنیا جنگ شد بقول یکی از استاد های خودم که در اروپا در حقوق بین الملل میگفت که حقوق بین الملل در جنگ معنی ندارد ، جنگ که شد دیگر حقوقی در بین نیست . عرض کردم خدمت آقایان که فراموش نکنیم ، ما در سیاست خارجی در فراموشی اتحاد ملی در مرام خودمان اینطور نوشتیم ، ما نوشتیم در سیاست خارجی تعقیب یک سیاست مستقل ایرانی ، البته خیلی موجز است این چند کلمه ، خیلی ولی موجز است و مفید و خیلی جامع و دارای معانی بسیاری است این اصلی که ما اتخاذ کردیم ، ما معتقدیم که کشوری مثل ایران با این وضع جغرافیائی که دارد بایستی در فکر امنیت خودش باشد ، در ایران بایستی یک سیاست مستقل ایرانی یعنی حکومت ایران ، دستگاه حکومت ایران مطابق قانون اساسی بایستی همیشه در سیاست خارجی یک رویه ای داشته باشد که آن رویه کلاً ایرانی باشد ، باین معنی که هیچ دولتی ، دولتهای خارج کذیلافه هستند در خاور میانه بخصوص نسبت به ایران از نظر خودشان ، بایستی اطمینان داشته باشند این که هر تصمیمی که دستگاه دولت ایران ، تمام دستگاه کامل دولت ایران (دولت که بنده عرض میکنم مقصود دولت بمعنای وسیع کلمه است . وقتی دولت ایران عرض میکنم دولت و مجلس است ، منظورم فقط دولت بمعنای اخص نیست) تصمیماتی که اتخاذ میکنند ، تصمیمات ایرانی باشد یعنی ما طوری خودمان را معرفی میکنیم ، طوری خودمان را نشان بدهیم ، که هر تصمیمی میگیریم ، اگر یک روزی در مقابل یک دولتی مجبور شدیم یک تصمیمی اتخاذ کنیم ، هیچوقت آن دولت فکر نکند ، در فکرش خطور نکند که این تصمیم بجز یک یک دولت دیگر است (صحیح است) اگر موفق باین سیاست بشویم مطمئن باشید که کارهای ما پیشرفت میکند (صحیح است) بنده فراموش کردم ببخشید در قسمت امنیت بین المللی که عرض میکنم راجع به سازمان ملل متفق این نکته را فراموش کردم ، یک نکته اساسی است ، که بعد از اینکه سازمان ملل متحد در سانفرانسیسکو تشکیل شد یعنی اساسش ریخته شد ، صحبت از کنفرانس صلح پیش آمد ، یعنی جنگ تمام شد و بنا شد که کنفرانس صلحی تشکیل بشود آنجا البته همه ملل متوجه این بودند که در کنفرانس صلح چه نصیبتشان میشود . این مسئله در روزنامههای طهران هم طرح شد و در دو سال پیش روزنامه امید بود یک شرحی بنده نوشت و تقاضا کرد که بنده نظریات خودم را راجع باینکه دولت ایران که جزه متفقین بوده و بایستی در کنفرانس صلح

دعوت بشود چه تقاضائی بکنم ؟ همان موقع که این دعوت بمن رسید ، بنده همیشه چون در این قسمت سازمان ملل متحد و مسائل مربوط به سازمان ملل متحد مطالعاتی دارم ، متوجه یک نکته شدم و آن اینست که ما بایستی فکری بکنیم که باز همان هدف اصلی ما که تأمین امنیت بین المللی ما است فراهم بشود ، بنده بنظرم اینطور رسید آنوقت ، باز نظر بتجربهای که در جنگ گذشته داشتیم برای اینکه ایران همیشه در معرض اشغال هست مقایسه کردم این کنفرانس صلح را با کنفرانس وین ، کنفرانس وین که اگر ما بتوانیم هیتلر را با ناپائون مقایسه بکنیم و همان اوضاع که در زمان ناپائون در اروپا پیش آمد شبیه آنچه در این دوره پیش آمد ، گفتند در آن موقع یک دولتی آمد و یک بلی گرفت و آن دولت سوسیس بود دولت سوسیس نظر بوقیبتی که شبیه بوقیبت ایران داشت از آن کنفرانس صلح تقاضا کرد که دول تضمین بکنند بیطرفی او را ، میگفت من اهل جنگ نیستم ما یک ملت کوچک و خیلی جزه هستیم که بین چند دولت بزرگ قرار گرفته ایم و ما میخواهیم که صلح و صفا زندگی کنیم و بیاید متعهد بشوید ، همه تان که دور این میز کنفرانس صلح نشسته اید متعهد بشوید که مرا بیطرف بشناسید ، البته بنده نمیخواهم که عیناً تقلید بکنم از وضعیت بیطرفی سوسیس یا وضعیت دیگری ، وضعیت خاصی داشتیم بنده بنظرم رسید که ما در کنفرانس صلح تقاضا بکنیم که ایران را یک منطقه منوعه بشناسند و برای اینکه هیچ لطمه ای باستقلال سیاسی ما وارد نکنند این تقاضا از طرف خود ملت ایران بشود که ما میخواهیم با تمام همسایگان خودمان با تمام دول عالم ، ما صلح و صفا زندگی کنیم ، خاک ایران در معرض مخاطره نباشد ، اینجا چون سر راه واقع شده است صرفه همه در این است ، صرفه همه دنیا در این است که همه تصدیق بکنند ایران یک منطقه منوعه باشد ، یعنی چه منوعه باشد ؟ یعنی هیچ عملی در این سرزمین نشود که باعث تحریکات بین المللی بشود ، در شمال تا در جنوب ، وسیله و بهانه ای بدست همسایگان و دیگران که در این ناحیه دنیا علاقمند هستند داده نشود . تمام دول ملتزم بشوند که اینجا یک منطقه منوعه بشود ، بیطرف بمعنای منطقه منوعه ، همه دول اقرار بکنند اینجا از یک کارهایی ، یک تصمیماتی یک تأسیساتی نظامی و اقتصادی هر چه اسمش را بگذارید که در اینجا تحریکات و مسائل بفرنج بین المللی پیش میاید ، اینجا از احتراز بکنند ، این نظر را بنده اظهار کردم و همینطور هم نوشتم و اتفاقاً در مطبوعات تهران هم خیلی انعکاس پیدا کرد ، در اطرافش صحبت کردند ، در مطبوعات خارجه درش صحبت کردند ، مورد بحث قرار دادند ، ولی دولت ایران نمیدانم آن وقت مشغول چه بود که باین نکته اساسی توجه نکرد ؟ و متأسفانه در این دو ساله اوضاعی پیش آمده در دنیا که البته یک همچو نقشه هائی را شاید مشکل بکنند و ممکن است احتراز بکنند دولی که عضو سازمان دول متحد هستند که یک همچو سر زمین با این توصیف را قبول بکنند و شاید بگویند بیطرفی مناقات داشته باشد با ورود در سازمان ملل متحد ولی این حرف است ، این حرف را راجع بسوسیس هم سابق میزدند در آن دوره ای که جامعه ملل تأسیس شد

و مملکت سویس با یک مهارتی توانسته یک فرمولی تهیه بکنند که تطبیق بکنند بیطرفی خودشان را با سازمان ملل متحد و آن را قبول کردند، حالا هم اینجا ما نباید به بینیم دیگران چه فکری میکنند، ما باید در فکر خودمان باشیم، ما صلاحمان این است که ایران امتیحتش تأمین بشود (صحیح است) و بهر قیمتی که هست تأمین بشود اساس سیاست خارجی ما باید این باشد و برای این کار برای ما بتوانیم لا اقل یک اقدامات اساسی بکنیم که ما را تا اندازه‌ای بآینده خودمان، بامنیّت آینده خودمان مطمئن بکنند، ما بایستی سعی کنیم در سیاست خارجی خودمان همان طوریکه در برنامه خودمان نوشته شده یک سیاست مستقل ایرانی داشته باشیم و بایستی سعی بکنیم که مورد اطمینان و احترام تمام دولتی بشویم که با ما سروکار دارند. برای این کار البته چند چیز لازم است، اولاً صلاحیت رجال ما که در رأس سیاست خارجی ما هستند، رجال ما که در سیاست خارجی ما دخالت میکنند بایستی حتی المقدور رجال بیطرف و بیطرفی باشند (صحیح است) و شجاعت اخلاقی داشته باشند، صراحت لهجه داشته باشند، رفتارشان با مأمورین دول خارجی خیلی اهمیت دارد، بنده این جا مجبورم که باز یک پراگماتیسم باز کنم، در ایران قبل از اناعراضیم کابینه لاسیون، وقتی که در ایران کابینه لاسیون بود... آقایان تا وقتی که این مسئله را درک نکرده باشید که این کابینه لاسیون در این کشور ما را از دخالت در تمام شئون داخلی خودمان محروم میکرد تا این را کسی درک نکرده باشد نمیتواند بفهمد این یکی از یادگارهای بزرگ سلطنت اعلیحضرت قاجار است که این نکتها را از ایران برداشت (صحیح است) و چون یاد گذشتگان میکنیم بایستی این جا بنده بگویم که دو نفر از رجال مملکت ما که امروز نیستند یکی مرحوم تیورناتش و یکی مرحوم داور در این کار خدمت بسزائی کردند و سهم وافری داشتند و من خودم شاهد این کار بودم، خلاصه وقتیکه کابینه لاسیون در این کشور بر قرار بود رفتار مأمورین خارجه با مأمورین دولت هم البته در تحت تأثیر آن رژیم بود، بنده خوب خاطر میآید یک تاجر باشی، یک کسیکه معلوم نبود چه کاره است کاتب تاجر باشی داشت بنده در وزارت خارجه بودم کاین تاجر باشی میآید آنجا جلومیز رئیس اداره و مشتمش را محکم میزد روی میز برای اینکه یک تقاضائی داشت، در وزارت خارجه هر وقت میخواستند یک سفیر را ملاقات کنند بایستی اجازه بگیرند بروند سفارت خانه او را ملاقات کنند، ولی بعد از الفاه کابینه لاسیون واستقلال و استقرار قدرت حکومت، رفتار ما با مأمورین خارجی تفاوت کلی کرد، مثل رفتاریکه در تمام دول کشورهای راقیه میکنند، هر وقت (بنده خودم در وزارت خارجه بودم) هر وقت که کار داشتیم با یک سفیری تلفن میکردم میخواستمش میآید پیش ما، بر عکس آن زمان کابینه لاسیون، ولی بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ واشغال ایران یکصدری متأسفانه در بعضی موارد رفتار و رویه مأمورین خارجی آنطوریکه باید باشد نیست، مطابق رسوم بین المللی نیست البته شخصیت رجال ما است که اینها را نباید بگذارند از حدود خودشان تجاوز بکنند، خود بنده در وقتیکه رئیس دولت بودم

یک روز وزیر مختار آلمان از بنده وقت خراست، آمد پیش بنده شروع کرد بگفتن یک مطلبی بعضی اینکه شروع کرد بگفتن گفت آقای وزیر مختار شما این مطلب را بوزیر خارجه گفته اید یا نگفته اید؟ بدیدم سرخ شد و گفت نگفته ام، گفتم پس بچه مناسبت بامن صحبت میکنید برای امور خارجی؟ وزیر خارجه معین شده است من استیناف هستم شما باید حدود خودتان را بدانید، اگر شما مطالب را بوزیر خارجه میان گذاشتید و از آن نا راضی بودید و شکایت داشتید باید بآید پیش من. این تفکیک وزیر خارجه از رئیس الوزراعیک مسئله مهم اساسی است برای این کشور. من بکسی از اعتراضاتی که آقای نخست وزیر دارم این است که ایشان این مطلب اساسی را فراموش کرده اند که نخست وزیر حتی المقدور بایستی خودش وزیر خارجه باشد، بایستی خودش را معظوظ نگه دارد که در موارد اختلافات سیاسی حکم بشود. (صحیح است) اگر بنا بشود که خود نخست وزیر با سفرا طرف مذاکره بشود اگر یک اشکالاتی، مشاجراتی پیش آمد کی باید داشتند وزیر خارجه ای بمعنای وزیر خارجه مستقل نبوده خلاصه اساس این نکته که مأمورین خارجه را میشود در حدود خودش نگهداشت این است که شخصیت رئیس الوزرا یا وزیر خارجه بتواند آنها را بجای خودشان بنشانند، شخصیت را باید در مقابل اجانب نشان بدهند، شخصیت رئیس الوزرا در مقابل اجانب است، والا اگر کسانی بخواهند وزرای مملکت را تحقیر کنند اجازه جلوس ندهند یک وزیری، رئیس مجلس را در اطاق انتظار نگهدارند این شخصیت چیزی نبوده بنده تکذیب میکنم) در هر صورت اگر نبوده که بنده خیلی خوشوقتم رئیس مجلس باید خیلی محترم باشد، رئیس مجلس مظهر مجلس است...
رئیس - اولاً لازم نباشد بنده ملاقاتی نکنم بعد هم این اظهاری که فرمودید تکذیب میکنم.
نخست وزیر - مقصودشان تفکیک کردن است.

دکتر همین دقتری - دوم مراقبت است در رفتار مستشاران خارجی، ما متأسفانه گاهی بداشتن مستشاران خارجی، البته اصولاً بایستی حتی المقدور ما خودمان را از داشتن مستشاران خارجی بی نیاز نشان بدهیم، (صحیح است) و یک ضرورتی الزام نکنند که ما محتاج بداشتن مستشار باشیم، در گذشته هم ما کاملاً ثابت کردیم که ایرانی وقتی وسائل کار برایش فراهم بشود خیلی بهتر از اروپائی کار میکند (صحیح است) برای اینکه لاقلاً آن خارجیهائی که میآیند ایران آن صلاحیتی، آن ارزشی که باید داشته باشند ندارند و ارزششان از ایرانی ها خیلی کمتر است. سوم اینکه بایستی یک وزارت خارجه مجهزی داشته باشیم، متأسفانه بنده خیلی متأثر هستم از اینکه میشنوم در وزارت خارجه ما که یک وقتی آشیانه بنده بودیم...
حق تربیت بنده دارد آنگونه که باید و شاید از تحصیل کرده ها و جوانها تشویق نشده تا بحال و بعضی اشخاص از آنها یک قدری نا راضی هستند

و امیدوارم که وزارت خارجه ما بکطورنی نباشد که بقول آن مثالی که سابق میزدند و بجای مینیستر دزافر اترانزه میگفتند مینیستر اترانزه اوزافر یعنی بیگانه از کار نباشد وزارت خارجه باید مرکز اطلاعات باشد، وزارت خارجه باید وزیر خارجه را بگرداند نه اینکه وزیر خارجه وزارتخانه را. این مقدمات را برای این بنده عرض کردم که در سیاست خارجی امروز بایستی که مجلس شورای ملی یک توجه خاصی داشته باشد ما بایستی یک مطالعه دقیقی بکنیم یک نقشه اساسی بریزیم روی همین مرامیکه ما نوشتیم یک سیاست مستقل ایرانی که تأمین امنیت بین المللی ایران باشد.

من باز هم تکرار میکنم ما باید ناوقتیکه سازمان ملل متفق هست و کار میکند باید انکاعان با آنجا باشد، ولی در همین حال هم باید بدانیم که با توکل زانوی اشتر بیند صرف توکل نباشد باید فکر دیگرمان هم باشیم و مسئله امنیت بین المللی خودمان را فراموش نکنیم امیدوارم که ما موفق بشویم در این دوره شیبه بیک قطعنامه شیبه بدکتر ین منرو در دوره ۱۵، یک دکتر ینی از نظر سیاست خارجی خودمان وضع بکنیم و این را بد نیا اعلام بکنیم و انتشار بدهیم که سیاست خارجی ما اینست و با همه دول این طور رفتار میکنیم و سیاست مایک سیاست مستقل ایرانی است و داخل هیچ دسته بندی نمیشویم و فقط متوجه امنیت خودمان هستیم این مرامی بنده بود در قیمت سیاست خارجی اما قسمت دوم راجع بسیاست اقتصادی عرض کنم این جا در برنامه نوشته شده است که سیاست اقتصادی کشور بر پایه اصلی و اساسی قانون انحصار تجارت خارجی و حمایت از صنایع داخلی قرار گرفته، ما چه نوشتیم در مرامنامه خودمان که تکبیهام بر این مرامنامه فراسیون اتحاد ملی است؟ ما میگوئیم تجدید نظر در رژیم اقتصادی کشور و تقویت صنایع ملی بطوری که فعالیت افراد در مقدارشان تأثیر داشته باشد و مداخله دولت در امور بازرگانی حتی المقدور سلب گردد و نفوذ های اقتصادی که منشأ مفاسد بزرگ است جای خود را بنفوذ های معنوی بدهد. این شعار ما است و بنده هم مجبورم که روی این شعار صحبت کنم، البته یک هدف دیگری هم داریم که در اینجا بحث خواهم کرد و آن راجع است به هزینه زندگی، پائین آوردن هزینه طاق فرسای زندگی، و استقرار عدالت اجتماعی بطوریکه مسکن و خوراک و پوشاک و بهداشت و فرهنگ برای طبقه سوم تأمین بشود.

اینجا آقای نخست وزیر در برنامه خودشان اشاره کردند بگرسنگی و بمرگ سبزه که مرجش البته گرانی است و بنده میخواهم عرض بکنم که سبب این گرانی غفلت هائی است که دولت در ایجاد گرانی کرده است یعنی دولت در این نوزده ماه زمامداری خودش نه فقط برای پائین آوردن هزینه زندگانی کاری نکرده بلکه اعمالی کرده که خود آن اعمال موجب گرانی شده البته این دلایل من دلایل علمی و دلایل اقتصادی است برای اینکه پایه گرانی بدولت است و سیاست بول در دست همین دولت میباشد، ما تردیدی نداریم که در نتیجه جنگ یک انفلاسیون

که حالا اسمش را تورم میگذارند یا انفلاسیون یا تورم خلاصه یون زیاد توزیع شده و ارزش خودش را از دست داده است و این را نمیتوانیم ما فراموش کنیم که بهای اجناسیکه ما میخریم با پولی که متورم است میدهیم و با این پولی که متورم است اندازه گرفته میشود باصطلاح اقتصادی بهترین فرینهای که بنده دارم این است که طلا امروز دو پطهران، حتی خود بانک ملی طلا را تقریباً سه برابر بهای قانونی خودش میفروشد یعنی در واقع تنزل پول است یعنی اینقدر پول متورم است مثل اینکه سه برابر ارزشش کمتر شده است، در زمان اشغال کشور اختیار اقتصادیات و مثلا گمرک و غیره در دست دولت نبود و دارندگان اجناس اعم از داخلی و خارجی برای تأمین سود خود از هیچ نوع اجحاف و گرانفروشی دریغ نکردند و اقدامات غیر کافی دولتهای ضعیف منتر نمی شد اما بعد از جنگ، به بینیم بعد از جنگ چه شده؟ دولت بجای اینکه بوسیله وصول مالیاتهای عادلانه و سایر تدابیر اقتصادی مالی از تورم بکاهد، برای تدبیر و حاتم بخشیها خود را محتاج به پول دیده است و بوسیله دریافت عوارض قانونی و غیر قانونی بهای اجناس را ترقی داده است، عجز تر این است که دولت برای بدست آوردن پول کالاهای خودش را گران کرده است. فراموش نمیکنم که در این دوره قیمت سیگار را دولت چقدر ترقی داد همینطور قند و همینطور بنزین، بنزین را نمیشود گفت که تأثیر ندارد در زندگی اقتصادی، تأثیر زیادی دارد، برای این که بنزین عامل مهم حمل و نقل است و حمل و نقل هم تأثیر دارد در زندگی اقتصادی، خود دولت شروع کرد به گرانفروشی، به گرانبازی، با این حال آیا انتظار داشتند که این عمل در نرخ سایر اجناس تأثیری نداشته باشد لاقلاً گرانفروشان را جری تر نکنند؟ الناس علی دین ملوکهم، بدیهی است وقتیکه دولت فروشنده باشد و رحم نداشته باشد و خون مردم را بسکد سایر فروشندگان هم از دولت سرمشق گرفته و برای بالا بردن قیمت ها هم دیگر سبقت میجویند. خلاصه دولت زندگی را گرانتر کرد، با گرفتن این پول ها، مخصوصاً طبقه زحمتکش را فقیر تر کرد، حالاً هم همین پولها را با این وامی که دولت جمع آوری کرده صرف چه کردند؟ آیا بودجه را تأمین کردند؟ در بین هزینه درآمد و متعادل برقرار کردند؟ کسر بودجه را از بین بردند؟ البته خیر. آقای نخست وزیر در چند ماه پیش در قبال اعتراضی که بجایید راجع به کسر بودجه میکردند در نطق خودشان در رادیو در تاریخ ۲۱ اردیبهشت همین امسال اعتراف کردند که میزان خضج مملکت در آخر سال ۱۳۲۴ به ۴۵۶ میلیون تومان یعنی بیش از چهار میلیارد و نیم ریال رسیده بود و در سال ۲۵ دولت ایشان این مبلغ را به ۶۱۰ میلیون تومان ترقی دادند یعنی ۱۵۴ میلیون تومان بر مخارج دولت اضافه کردند و با همه اجحافاتی که از راه گرانفروشی بردم شد همین الان هم بیش از ۲۰۰ میلیون تومان باعتراف آقای وزیر دارائی در آن جلسه قبل تقریباً همین قدر کسر دارند (هزیر- کی بنده همچو حرفی زدم) در قبال حرف آقای کشاورز صدر ایشان گفتند سه میلیارد را از کجا پیدا کرده اند و فرمودید دو میلیارد (هزیر رقم

را عرض کردم عرض نکردم که عملاً کسر است) حالا جواب میدهم در نتیجه این وضعی که بودجه مادارد یک اعتراف خیلی تلخی که آقای نخست وزیر کردند و بنده را از خیلی از استدلالها بی نیاز کردند که خودشان در صفحه ۱۱ برنامه شان میگویند «نه تنها حسن انتظام اداری مبدل بهرج و مرج شده بلکه قسمت کلی هواید دولت و بودجه مملکت بمصرف حقوق و مقرری رسیده و محل اعتبار کافی برای مصارف تولیدی و مخارج ضروری مملکتی در بودجه باقی نمانده است» بنده میخواهم اینجا ثابت بکنم روی موازین اقتصادی علم اقتصاد که علت العلل فلاکت مردم و این گرانی طاق فرسای زندگی مردم در درجه اول همین بودجه ما است. بنده وارد جزئیات نمیشوم آقای نخست وزیر فقط یک نکته را توضیح میدهم. (نخست وزیر - بشوید آقا وارد جزئیات بشوید الان یکساعت و نیم است که وقت ما را گرفته اید) اعتبار دولت بموجب آخرین بودجه مصوب مجلس آخرین بودجه اینکه بتصویب مجلس رسیده بود ۴۱ میلیون ریال است، اعتبار دولت یعنی یک میلیی است در بودجه که بموجب تصویب نامه به مصرف برسد سابق که ما در کار بودیم سالی ۲۰۰ هزار تومان بیشتر اعتبار نداشته است این اعتباری که ۱۴ میلیون ریال بود به ۶۰ میلیون ریال ترقی داده شده در این دوره فقرت، نمیخواهم عرض کنم که این ۶۰ میلیون ریال صرف چه چیز هائی شده، به عنوان یاداش حق السکوت این و آن خریدانومبیل، از همه قابل تأسف تر صرف دستگامی شده که در نخست وزیری یک شهر بانی جدید، یک شهر بانی مخصوص خلاصه یک اداره جاسوسی برای مشوب کردن ذهن ایشان (نخست وزیر - چه شده است؟) خرج تجهیزات این دستگامی کدر نخست وزیری هست (نخست وزیر - کجاشده؟) یعنی از این ۶۰ میلیون ریالی که... (نخست وزیر - همچو چیزی نیست آقا) بنده آن بخشهایی که بموجب تصویب نامه های مختلف از این محل ۶۰ میلیون ریال شده است واردش نمیشوم، فقط یکی را برای نمونه خدمت آقایان عرض میکنم کار بخش بجائی رسیده است یک تاجری یک قرض ۶۰ هزار ریالی داشته و مقروض بوده است بیانک رهنی، لابد قرض بانک رهنی هم مربوط بقرضهای ساختمانی هست و بانک رهنی قرض های دیگری نمیده تاجری که ۶۰ هزار ریال قرض داشته است هیئت دولت بموجب تصویب نامه اگر آقای دکتر اقبال منشی هیئت بخواهند تکذیب کنند بنده نمره اش را هم ممکن است ارائه بدهم ۶۰ هزار ریال یک تاجری انعام میدهند که پرود قرضش را بیانک رهنی بدهد، دولت ما اینقدر متول پیدا کرده این قدر پول دار شده و این قدر دارائی پیدا کرده است که میتواند بخودش اجازه بدهد که از این قبیل خرجها بکند (آشتیانی زاده - تاجر کی بوده است آقا؟) بنده وارد اسم اشخاص نمیشوم از منشی هیئت خودتان برسید. ما بغیلب نیستیم که بخشش بکنند پول داشته باشند. بنده بیخشنده عیب ندارد اما فقط نتیجه اش این است که این ولخرجها در کاستن ارزش پولی، یولیکه بایستی اساس زندگی ما باشد تأثیر دارد هر تدبیر و هر اقدامی که برای پائین آوردن هزینه زندگی باید بکنیم این است که باید یولمان را برایش ارزشی

قابل شویم، یولمان را تثبیت بکنیم، این حاتم بخشی های دولت علت العلل کسر بودجه است، علت العلل تمام این گرانبائی است که لازم نیست بنده استناد کنم بکتاب بانک ملی و شاخص بانک ملی را عرض کنم محتاج بدلیل نیست همه مردم که در این شهر زندگی میکنند از ترخها اطلاع دارند، بنده محتاج باقانه دلیل نیستم ولی چیزیکه میخواستم ثابت کنم این است که علت اصلی و اولی این کار همین وضع بودجه این کشور است و میخواستم آقا با آنرا متوجه کنم که اساسی ترین اقدامیکه در این مجلس که باید بشود این است که مادر درجه اول جلو دولت بگیریم برای این که یک بودجه ای داشته باشیم که تعادل درش کاملاً محفوظ باشد بهر ترتیبی شده اولاً سازمان اداری و وزارتخانهها را بایستی قانونی کرد و بموجب قانون معین کرد تا معلوم بشود هر وزارتخانه ای چندمیدر کل دارد هر اداری چند کارمند تبه ای دارد و این بموجب قانون یک دهنه به تصویب مجلس برسد تا دیگر دولتها نتوانند از آن سازمان مصوب مجلس تجاوز بکنند و بودجه را هم روی آن سازمان منظم بکنند و ما بایستی مقاومت بکنیم باین اصل یک دوازدهم و دودوازدهم و مجلس یازدهم دیگر اشتباه مجلس چهاردهم را نکنند و قدم اول جلو دولت را ما بگیریم و تقاضا بکنیم که هر کاری که دارند بگذارند کنار و بودجه مملکت را با تعادل هزینه و درآمد تقدیم مجلس کنند که یکدهنه تصویب بشود و کارهای مملکت بجریان بیفتد، این اولین قدمی است که شما میتوانید برای پائین آوردن هزینه زندگی مردم بردارید. اما البته علتها منحصر باین نیست، علت گرانی علت های دیگری هم دارد و وقتیکه شهرداری طهران بعنوان مختلف از بارفروشا برای مخارج سیاسی دولت روزی ۲۰ الی ۲۵ هزار تومان بگیرد منم است که البته آنوقت خوار و بار از آن نمیشود. (نخست وزیر - چرا دروغ میگوئید آقا، اینطور نیست) (مشایخی - تکذیب میکنم آقا) باین تکذیبها قانع نمیشوم هر وقت که یک کمیسیون تحقیقی از مجلس تعیین شد و با بنده رفتیم این چیزها را تحقیق کردیم آنوقت معلوم میشود، بنده این حرفها را نمیفهمم فایده اش چیست؟ (ارستجانی - انشاءالله همه چیز تحقیق بشود) همه چیز باید تحقیق بشود. بنده دیگر حالا از جوازا و سایر چیزها صحبت نمیشود، یک مسئله اساسی که بنده درین جا میخواهم عرض کنم این انحصار تجارت است، انحصار تجارت البته در آنروز آقای مهندس رضوی بودند که گفتند که انحصار خوبست البته از نظر تئوری اصول قابل دفاع است اما در این کشور بدلائلی که بایستی یکساعت صحبت بکنم انحصار ایرانیها ضرر دارد در این کشور (صحیح است) برای اینکه اساس انحصار داشتن یک دستگام با تقوائی است که متأسفانه نیست (مهندس رضوی - کنترل نیست) وقتیکه نیست نیست این است که ماحتی المقدور میبایستی انحصار ها را محدود بکنیم و در مرامنامه فراسیون اتحاد ملی هم درج شده است، ما نظرم این است که انحصار های دولت یعنی آنچه دخالتهای مستقیم و مباشرتهائی که دولت در امور تجارت میکند حتی المقدور در صورت لزوم تنزل پیدا بکند، ولی اگر حالا انحصار را هم ما

قبول کنیم بازار آزاد در مقابل انحصار مثل کوسه وریش یهن است این را دیگر هیچ نمیشود هضم کرد ، یک چیزی که انحصاری باشد ، تابع جیره بندی باشد ، و در مقابلش بازار آزاد باشد ، بازار آزاد برای این است که قاچاقهای انحصار را در آنجا آبکنند (صحیح است) این را ما هیچوجه نمیتوانیم تحمل بکنیم ، این باید بکلی از بین برود (ارسنجانی - این ربطی بانحصار ندارد) این مسئله مالی بود ، و اما در قسمت اقتصادی با آنکه ناطقین قبل از بنده راجع بیانک صنعتی خیلی صحبت کردند بنده زیاد وارد جزئیات نمیشوم ، وقتیکه این بانک را تأسیس میکردند بنده خیال میکردم بانکی است برای اینکه سرمایه بدهد پارباب صنایع ، بکسانیکه بخواهند معادن را استخراج بکنند ، و برای اینکه در واقع کاپیتال برای پیشرفت صنایع بشود ، ولی وقتیکه شروع بکار کردند دیدیم که بگلی این انتظار ما برخلاف بوده برای اینکه کارخانه ها بواجب ماده ۳۸ قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۳ بوزیر پیشه و هنر سپرده شده بود که او بیلان هر مؤسسه ای را تهیه بکند و منتشر بکند ، بعد در قانون ۱۳۲۱ برای احتراز از مقررات اداری که با کارهای صنعتی سازشی ندارد اجازه داده شد که این مؤسسات را با ترتیب بازار گانی اداره بکنند ابتداء یک بنگاه صنعتی درست کردند و بعد آنرا بهم زدند ، خلاصه در خرداد ۱۳۲۵ بموجب تصویبنامه دیگری بانک صنعتی بوجود آمد ، بانک با سرمایه ای مبلغ دویست و پنجاه میلیون تومان یک برآورد خیالی بود از قیمت کارخانه ها و متعلقش سرمایه تقدیش هم عبارت بود از محصولات موجود که سر آن نشستند و تدریجاً فروختند و خوردند خلاصه بنده حالا این جا نمیخواهم تنک نظری بکنم و بگویم که مثلا بانک صنعتی بودجه اش قبل از تأسیس دویست هزار تومان بوده است بعداً شده است ۷۰۰ هزار تومان اهمیتی ندارد ، با اینکه اشخاص جدید استخدام میکردند از ۴۰ تا ۷۰ هزار تومان درآمده بعنوان اضافه کار میگرفتند این اشخاص ، بانک اگر بانک بود و کارخانه و چرخهایش براه میافتاد اینها حلالشان باشد اما وقتیکه بمعاملات بانک ، بیعضی از معاملات بانک بطرز نمونه مراجعه میشود آدم واقعا متعجب میشود که چه جور میشود که یک بانک یک چنین معاملاتی میکند ، مثلا راجع بقند ، سابق قندهائی که از کارخانجات دولتی بدست میامد هم را تحویل وزارت دارائی میدادند که بخر دولت توزیع میشد بعد بانک صنعتی اجازه گرفت که در حدود ماهی هزار تن بخر بازار ، خودش بخر وقت بفرود ، حالا در این معاملات بچه اشخاص فروخته شده اغلب آن اشخاص که طرف معامله با بانک بودند هیچکدامشان تاجر نبوده اند و از این سیاست با آنها بوده که بنده وارد آنها نمیشوم (صحیح است) معامله راجع به بنده پیشهاداتی میگویند بنده اینها را باید از روی پروندهها رسیدگی کرد اینطور گفتند پیشهاداتی راجع بفروش بنده میشود ۲۴ الی ۲۵ ریال بعد از توش در میآید که بنده را از یک شخص معینی بخرند قیمت ۲۹ ریال حتی بیشتر از آن قیمتی که از مصر وارد ایران میشود ، راجع بگونی میگویند گوئیهای که در کارخانه گونی باقی بوده آنها مورد احتیاج کارخانه های دیگر دولتی که محتاج

بگونی هستند بود ، آنها خریدار بودند بانک صنعتی ارزان تر از آن قیمتی که برای خودش تمام شده باز هم بیک شخص معینی میدهد ، بنده نمی فهمم این چه معاملاتی است ؟ خلاصه بنده از روی قرینه و مقایسه آنچه معاملاتی که این بانک کرده و معاملاتی که شنیده ام راجع بانک صنعتی شده است میتوانم اسم این بانک را بگذاریم بانک ملا نصرالدین ، برای اینکه ملا نصرالدین از این کار ها میگذرد ، حالا بودجه کارخانه ها بصرف رسیده است کاری ندارم ، خلاصه بنده این جا اینطور میخواهم نتیجه بگیرم که این بانک یک آلت معطله است یک آلتی هست که روز بروز نکت پیدا خواهد کرد خلاصه یک عده از مهندسی شکایت داشتند و می گفتند که ما در این دستگاه بانک بکلی عاقل و باطل شده ایم ، اصلا تودولیت را فراموش کرده ایم ، تودولیت را نمیتوانیم در دست نگهداریم ، در صورتیکه در مملکت ما اینقدر کار برای مهندسی هست یکی از کارهایی که برای مهندسی هست میخواهم بعرض آقایان برسانم و توجه آقایان نمایندگان محترم را جلب بکنم مسئله اکتشاف معادن است ، یکی از کارهای بزرگی که در مملکت باید بشود اکتشاف معادن است ، وقتی این همه ذخائر تحت الارض داریم فقط یک اسمی است ، معدن وقتی ارزش معین می شود که از نظر فنی مهندسی برون ارزش را معلوم کنند این همه مهندس یکبار به نشینند دروازه مختلفه بانک صنعتی یا جای های دیگر و این همه کارها هم عاقل بماند ، خلاصه من نمیخواهم ایراد بگیرم بآن اشخاصیکه این کارها را کرده اند و این بانک را ایجاد کرده اند و واقعا اینجور دولت بموجب دلائل منتهی که ما داریم دلائل علمی که ما داریم دولت نه تاجر خوبی است و نه کارخانه چی خوبی است هر کس وارد این کارخانه ها بشود ، هر کس متصدی کارهای این کارخانه ها بشود ، من نمیخواهم ایرادی باشخاصی بگیرم که متصدی بانک هستند اصلا این کارهای دولتی اینطور است که دولت نباید متصدی کارخانه بشود این کارخانه را بایستی هر چه زودتر بوضعیتش خاتمه بدهیم این کارخانه ها بعقیده بنده بایستی تبدیل بشود به شرکت های سهامی اسامشرا بفرورند باشخاصیکه سرمایه کوچک دارند حتی بدهند بمستخدمین دولت ، بمستخدمین بی بضاعت ، بآنها یا در مقابل حقوقشان و یا با قساق و گذار کنند تادولت از شر این کارخانه ها خلاص بشود . (مهندس رضوی - بیقیمت گیر کارخانه چیهای هادی) بله موقعیکه مردم از سر بهره نبرند ، والا اگر قدری فکر کنید بنده حالا نمیخواهم وارد خصوصیات اشخاص بشوم شامیدانید این کارخانجات با چه زحمتی برای ملت تهیه شده حالا دونفر از وزراء در این هیئت دولت حاضرند یکی آقای حکمت و یکی آقای دکتر سجادی ایشان خاطر شان هست که اعلیحضرت فقید راجع باسماز اجازه نمیدادند ... چون این کارخانه ها باسماز تهیه شده چقدر ایشان دقیق بودند در مصرف اسماز حتی اشما آقای حکمت نبودید که وزیر کشور بودید و برای معامله رفتید بارویا و بنده هر چه سعی کردم که اجازه خرید اسماز که یک وزیر مملکت بودید برای شما بدهند ندادند و نتوانستم و آقای جم حاضرند که برای خانواده خودشان اجازه اسماز نمیدادند جز اینکه مصرف تجهیزات اقتصادی کشور بشود .

این کارخانه ها اینطور تهیه شده است حالا بایستی که دست دولت و بانک صنعتی بیفتد و یک اشخاصی سیاست بافهانسی بیابند مطالبی با بعنوان معامله و با بعنوان حقوق بگیرند ، بنده البته بطبعو هات خیلی احترام دارم خود بنده در مطبوعات سابقه زیادی دارم ولی هیچ انصاف هست که یک کارخانه ای که با این خون جگر تهیه شده بدهند بیک اشخاصی ، بنده سراغ دارم یک شخصی را که الان یک روزنامه دارد و دانشمک بما فحش میدهد این شخص در عدلیه سوایقی داشت مدعی الاموم بود یک وقت یک جانی تمام پول صنایع را برداشت برد بعد از آن رفت یک جای دیگر آن جا کارهایی کرد که نگفتنی است که رئیس استیفاف محل میگفت وقتی که کارهایش کشف شد قرآنی پیش من آورد که آبروی من را نبرید و ما فقط اکتفا کردیم که از عدلیه خارجش کردیم این آدم در آن یکساله روزنامه اش هم وقف تبلیغ برای پیشه وری و تجزیه طلبان بود و بعد معلول آذر گرفت حالا این شخص بایستی از بانک حقوق معینی درمابگیرد (بکنفر از نمایندگان - اوتومبیل هم بهش میدهند) کسی که بایستی بموجب قانون ۱۳۱۰ تعقیب بشود ، بنده این قانون را برای شما میخوانم میگوید : هر کسی بنحوی از انحاء برای جدا کردن قسمتی از ایران و یا برای لطمه آوردن به تمامیت و استقلال ایران اقدام نماید محکوم بعیس ابد بااعمال شاقه خواهد شد بعداً اینجور میگویند ، هر کس بفتح مجرمینی که مشمول این ماده هستند کوچکترین تبلیغی بکند محکوم بسه سال حبس میشود یک چنین اشخاصی باید بروند به زندان ، نباید دولت از یک چنین اشخاصی نگهداری کند ، بهشان پول بدهد ، از بانک صنعتی که شریان حیاتی اقتصادی ما است اینجور انگلها بیایند و استفاده بکنند و بما فحش بدهند ، و در یک همچو موقعی روزنامه های آزاد بخوان ، روزنامه های که فقط گناهشان این است که بدولت اعتراض میکنند در همان موقعی که ما داریم در برنامه صحبت میکنیم توقیف میکنند ؟ من از شما میبرسم روزنامه آتش چرا توقیف شده است ؟ اگر راست گفته است که خوب بایستی اعتراض را بشنوم چرا توقیفش میکنند ؟ اگر دروغ گفته است افتراء زده است این محکمه است ، در موقعی که برنامه تان هنوز بصوب مجلس شورایی نرسیده این کارها رامیکنید (صحیح است) بعد چه خواهید کرد ؟ خلاصه آقا بنده در مسئله اقتصادی راجع بگرانی زندگی معتقد هستم که دولت بایستی خودم هم باجرات این را ادعا میکنم بوسله یک نقشه اقتصادی نمیخواهم جزئیاتش را عرض کنم (نقشه اقتصادی که برای هزینه زندگی و پائین آوردن آن باشد اگر قیلا افشاء شود دیگر اثری نخواهد داشت) بنده بشما اطمینان میدهم که دولت اگر یک تدابیر اقتصادی باحسن لبت شروع بکند میتوانم در ظرف شش ماه حتماً هزینه زندگی را بیزان قبل از جنگ پائین بیاوریم ، اما در آن جلسه آقای هژیر بی - لطفی هائی کردند که مجبورم جوابشان را بدهم ایشان واقعا مردی دانشمند فصیح ، بلخ هستند و من افسوس میخورم که حق این نعمت های خداداد را خوب ادا نکردید ، نصاحت و بلاغت برای این است که در محل خودش اعمال شود مجلس شورای ملی یک جانی است که هر کس ، وزیر ، نخست وزیر ، وکیل هر کسی

که میآید پشت این تریبون بایستی که تمام حقیقت را بگوید و هیچوقت حقیقت را کتمان نکند جنابهای آقای هژیر آنروز راجع به قانون مالیات بر درآمد اظهاراتی فرمودید که خلاصه قانون مالیات بر درآمد را ما زیاد نگفتیم کم گفتیم همان قانون دکتر میلیسو است که ما کمتر گفتیم ، خلاصه یک بیاناتی فرمودید که خواستید بگویند هیچ کار بدی نشده در صورتیکه کاری شده است که نقض صریح قانون اساسی و مشمول قوانین مجازات عمومی است (صحیح است) و جنابهای که وزیر هستید این را نصب العین بکنید که آقا قوانین بایستی محترم باشند ، لا اقل توی مجلس یک حرفی زده نشود که دلیل بی احترامی و بی اهتتائی بقرائین باشد ، شما قانون ۱۳۲۲ دکتر میلیسو را (البته این مربوط بشما نیست) در کابینه اول آقای قوام این تصویبنامه صادر شده بنده الان خلاصه اش را برایتان میخوانم در این تصویبنامه دولت ... آقایان خواهش میکنم توجه بفرمائید این مسئله بسیار مهمی است حالا بنده زیاد صحبت کرده ام آقایان خسته شده اند (نمایندگان - بفرمائید) در این تصویبنامه ای که در فروردین ۱۳۲۵ صادر شده البته در کابینه اول آقای قوام مینویسد ، از ابتداء سال جاری قانون مالیات بر درآمد مصوب آبان ۳۲۲ که قانون دکتر میلیسو باشد و قانون اصلاحی آذر ماه ۱۳۲۴ که در مجلس ۱۴ از کمیسیون قوانین دارائی گذشت برای واریز حساب دو سال مالیاتی ۱۳۲۳ و ۱۳۲۲ میگویند که این قانون ملغی و قانون مالیات بر درآمد سابق همان قانون منسوخ که مصوب ۱۳۱۷ - ۱۳۱۷ و آئین نامه های مربوط به قوانین مذکور با اصلاحات و تحقیقاتیکه در طرح مصوب کمیسیون قوانین دارائی شده که بهیچوجه صورت قانونی ندارد بوقوع عمل و اجرا گذارده میشود (هژیر - بنده آنوقت وزیر دارائی نبودم) گفتیم آقا من خودم قبل از اینکه آقا بفرمائید عرض کردم در کابینه اول آقای قوام السلطنه شده است ، این نسخ صریح و تقییر صریح قانون است آقا (دکتر معظلی - هر کس کرده اشتباه کرده) قانون محاسبات عمومی یکی از قوانین صدر مشروطیت است قانون محاسبات عمومی میگوید هر کس که مالیاتی غیر از مصوب مجلس شورایی وضع بکند یا امر باخذ مالیاتهای غیر مصوب بدهد یا متصدی وصول آن شود در حکم سارقین اسواول دولتی است و ماده ۱۵۴ قانون مجازات عمومی مجازات این کار را تعیین کرده است (هیاس اسکندری - وزیر مایه کی بوده است ؟) ما که اشخاص را محاکمه نمیخواهیم بکنیم بنده تا حال اسم هیچکس را نبردم (هیاس اسکندری - باید گفت پس شما مقصودتان چیست ؟) بنده میخواستم متذکر بشوم که این کار نه فقط برخلاف قانون اساسی است بلکه ماده ۲۸ قانون مجازات عمومی این عمل را جرم میداند میگوید هر گاه یکی از وزراء بوسله وضع نظامنامه یا تصویب نامه قانون را تقییر بدهد یا تفسیر نماید از خدمات دولتی دائما منفسل میشود ، آقا قانون است شومی که نیست ، حالا ایرادی که جنابهای دارم که حقیقت را کامل بیان فرمودید این است که فرمودید مالیات را زیادتر نگفتیم کمتر گفتیم اینطور نیست بنده ثابت میکنم که بموجب تصویب نامه شما

زیاد تر هم گرفتید در قانون دکتر میلیسو سه طبقه مردم بود که باید در نظر گرفت یکی طبقه اول که تمول زیاد دارند و تمول سرشاری که میزانش زیاد بود اما طبقه دوم و سوم در طبقه سوم برای اشخاص یک میزان و یک حد بخشودگی داشت و بعد برای عیال و اولاد و اطفال یک میزانی تعیین کرده بود که از آنها کسر میشد و خلاصه در عدل طبقه سوم خیلی کم اتفاق میافتاد که مشمول مالیات بشوند (امیر تیمور - بره ایا اصلا تعلق نمیکرفت) طبقه دوم کسانی که یک در آمد کمی داشتند حد اکثر مالیاتشان صدی پنج بود شما ، شما که میگوییم مقصود دولت است در این تصویب نامه ای که صادر کردید میزان را تا صدی شش و صدی ده بالا بردید برای اشخاصی که هایدات کمتر دارند ، هایدات متوسطی دارند چطور میفرمائید که ماقانون را نقض نکردیم و کمتر گرفتیم آن بیاناتی که راجع به مالیات بر درآمد فرمودید اخیراً سردفتر های اسناد رسمی شکایت میکنند که بموجب تصویب نامه مالیات بر درآمد بشوند تا مالیات معاملات را حین معامله از متعاملین بگیرند آن کسی که معامله میکند یک پولی قرض میدهد که یک سال دیگر مناقش را بگیرد یا این مناقع وصول میشود یا نمیشود ، موجب خواهد شد که حین معامله سردفتر اسناد رسمی مأمور بشود که مالیات وصول بکند ، آقا در این وصول مالیات که نباید مردم را چایید سر دفتر که مأمور وصول مالبه نمیشود ، سر دفتر یک وظایفی دارد برای خودش ، عرض سوم بنده در برنامه دولت راجع بقانون کار بود - البته در اساس قانون کار کاملا موافقم و قدم خیلی مفیدی میدانم که دولت برداشته و انشاءالله بزودی بصوب مجلس برسد اما یک نکته ای را که میخواستم خدمت آقایان عرض کنم که البته برای حفظ طبقه کارگر و برای اینکه طبقه کارگر حد اقل زندگی داشته باشد خوراک و پوشاک و همه چیز داشته باشد هیچکس در این مجلس نیست که مخالفت داشته باشد منتها البته اساس قانون کار این است که باید حل اختلاف بین کارگر و کارفرما کرد نباید تولید اختلاف کرد ، در این موقع دنیا رو در این موقع مملکت ما کاری نکنیم که طبقات مردم را بجان هم بیاندازیم از اینکار احتراز بایستی کرد ، کارگرا البته باید حمایت بشوند و امور خودشان حتی المقدور بخودشان واگذار شود ، طبقه کارگر متولی و قیم حتی المقدور نباید داشته باشد ، عرض میکنم که در این جا عرض بنده راجع ببرنامج توضیحی است که در اطراف رای اعتماد بنده میخوانم بندهم البته آقایان میدانید که در همه کشورها بخصوص در کشور های پارلمانی وزارت و صدارت برای کسی شغل دائم نمیشود یعنی تابع تحولات سیاسی است اگر کسی بخواهد شغل ثابتی داشته باشد باید مستخدم اداری باشد ، مستخدم دولت باشد ، استاد دانشگاه باشد کار دیگری داشته باشد ، آن وقت میتواند انتظار داشته باشد که همیشه سر اینکار باشد اما خدمات سیاسی مخصوصاً مقام وزارت و صدارت این ها قابل تطبیق با استخدام نیست ، رجال سیاسی مملکت مثل لباس هائی میپوشند که هر کدام

برای یک فصلی دوخته میشوند ، یک لباسی برای تابستان یک لباسی هم برای زمستان یک لباس هم برای فصلهای بهار و پاییز هیچوقت لباس تابستان برای زمستان مصرف ندارد و همین طور هم لباس زمستان برای تابستان مصرف ندارد شما بهترین آسترکان ها را که ۵۰ هزار تومان قیمتش باشد اگر بشما بگویند چون این خیلی قیمت دارد این را در تابستان بپوشید البته نخواهید پوشید میگویند این را بگذارید کنار در صندوقخانه محفوظ بماند تا زمستان بیاید ، البته رجال مملکت هم همینطور هستند ، رجال مملکت هر کدام برای یک موقعی ذخیره میشوند ، رجالی هستند تندرو ، رجالی هستند معتدل یک رجالی هستند که عقاید مختلف و مسلکهای مختلف دارند و هر وقت مقتضیات کشور اقتضا کرد آن رجلی که برای آن موقع ذخیره شده میآید روی کار ، هنوز چندی از جنگ گذشته آقایان یک شخصی مثل مستر چرچیل با این خدمات بزرگ که با انگلستان کرد و در واقع عامل مؤثر پیروزی انگلستان بود همینکه جنگ تمام شد ملت انگلیس تشخیص داد که این باید برود کنار ، این دیگر مرد این کار نیست ، رجلی بیاید ، مرد دیگر بیاید ، کسی باید بیاید که که آن چیزها را بگذارد کنار و حالا بساط صلح را فراهم بکند ، تشکیلات صلح بدهد ، البته این توهین نبود به چرچیل ، وقتی به چرچیل گفتند آقا حالا نوبت شما تمام شد این توهین باو نیست پس بنظر بنده رای اعتمادی که در مجلس بهیئت دولتها میدهند این هیچ دلالت بر این ندارد که وارد یک صلاحیت شخصی است از نظر قواعد عمومی هر رجل سیاسی یک شرایط اصلی باید داشته باشد صحت امانت و خیلی شرایط دیگر که برای رجال آن شرایط البته هست چه این دولت و چه دولتهای آینده اینها چیز بدیهی است البته هر رجل سیاسی باید امین باشد هر رجل سیاسی باید مطمئن باشد اینها را که نمیشود گفت جزء شرایط خصوصی قرار داد اینها شرایط عمومی است اما شرایط خصوصی یک دولتی که بهش رای اعتمادی دهند آن شرایط زمان است که این نفعت وزیر این هیئت متناسب با این زمان است و الا در برنامه ای که دولتها می نویسند ممکن است اختلاف مسلکی بعضی از اشخاص با برنامه داشته باشند متأسفانه اینها را بقدری کلی مینویسند و وارد جزئیات نمیشوند که اصطکاک با قسمتهای مسلکی پیدا نکنند و این برنامه را همینطور نوشتند بطوریکه در این برنامه ملاحظه میفرمائید تمام برنامهها نسبتاً خوب نوشته شده اما نکته ایست که این برنامه آیا عملی هست یا نه ؟ یا اینکه اطمینان بعملش هست یا نه ؟ یعنی موجبات کار در دست این دولت هست دولتی که این برنامه را داده است شایستگی و وسائش را دارد که این برنامه را عملی بکند یا خیر ؟ چند روز قبل اینجا با همکاران محترم صحبت میکردم منجمه آقای دکتر مصباح زاده رسیدند راجع باین برنامه و رای اعتماد صحت شد یک نظری اظهار کردند که قابل توجه است بنظر بنده ایشان گفتند که من بدولتها کار ندارم این دولت یا هر دولتی که برنامه بدهد بشرطی که یک کار صحیح نشان بدهد ولو اینکه خیلی جزئی باشد یک کاری که جزئی باشد عمل بکنند من بآن دولت رای اعتماد میدهم مثلا دولتی بگوید من چند

کیلومتر راه میسازم ولی بسازد این راه را واقماً بسازد و اطمینان باشد که این راه را میسازد و راه را بیا آن اصول علمی دنیا بسازد من بهر دولتی که یک چنین تصمیمی داشته باشد رأی اعتماد میدهم و الا برنهنها را نیشود ماخذ گرفت برای رأی اعتماد. رأی اعتمادیکه بدولتها میدهند این است که این دولت با سوابقی که دارد با مشتی که دارد با مسلکی که دارد این رجل سیاسی آیا متناسب با اوضاع امروز هست یا نیست اگر هست بهش رأی میدهند اگر نیست نمیدهند و الا این رأی اعتماد در سوابق اشخاص اثری ندارد الا اینجا آقای نخست وزیر در برنامه شان اشاره کردند که من عملیات گذشته خودم را در آینده گزارش خواهم داد و با اطلاع مات و مجلس شورای ملی میروم البته هر وقت خواستند و دادند رسیدگی میشود و تحقیق میشود البته هر ذیاسبی وقتیکه صورت حسابش را داد میتواند مفاصا حسابش را معوق است و رأی اعتماد مجلس بهیئت دولت چه دولت حاضر و چه آینده این هیچ دلالتی بر گذشته و احوال گذشته اشخاص ندارد و نخواهد داشت (صحیح است) اما نظر خودم را عرض کنم راجع باین هیئت دولت البته بدو دلیل و بدو جهت بنده مخالفم و رأی اعتماد نمیتوانم بدم. یکی از لحاظ نگرانی است که دارم برای اینکه ۰۰۰ باز بر میگردد روی مسئله حجب یا هر چه هست بنده از وضعیت کشور و امنیت مردم و آزادی افراد که حتی سرایت خواهد کرد به مجلس بسوابقی که داریم بنده نگرانم آقای نخست وزیر چگونگی میتوانند با اطمینان بدهند آزادی افراد آزادی مطبوعات مصونیت مجلس را چطور تضمین میکنند که ما مطمئن باشیم که میتوانیم با آزادی کامل کار بکنیم و دچار یک حوادثی نظیر حوادثی که در دوره های گذشته مخصوصاً روزهای آخر دوره چهارده اتفاق افتاد نخواهیم شد از این جهت چون من تردید دارم و نگران هستم نمیتوانم رأی اعتماد بدم دیگر مسئله سیاست خارجی است که بنده متأسفانه اینجا نمیتوانم زیاد توضیح بدم کاشکی آقای نخست وزیر خودشان هم توجه میفرمودند بواسطه طول زمامداریشان یک پیش آمد هائمی شخصاست و خلاصه حساب سیاست خارجی ما در این موضوع یا وضع حسابهای شخصی ایشان مخلوط شده است و بنده خیال میکنم با این بیاناتی که بنده عرض کردم خدمت آقایان راجع به مسئله امنیت بین المللی که ما باید هر چه زودتر در فکر آن باشیم و در تلاش این باشیم چه بهتر بود که این حسابها از هم تفکیک میشد یک شخص بسابقه ای (بنده هیچ کاندیدائی خود ندارم خدا آوایست) مثلاً یک نفر از آقایان وزرا هیچ کاندیداست تمام امور تشکیل کابینه شود یک آدمی باشد که فارغ باشد آلوده به این سوابق نباشد حسابهای شخصیش داخل حسابهای سیاسی مملکت نباشد ما مسائل خیلی بزرگی در پیش داریم و حق این است که یک آدمی بسابقه ای بیاید تا اینکه بتواند یک سیاست مستقل ایرانی تعقیب بکنند امیدوارم کانشاه در این قسمت موافق بشویم بنده دیگر عرضی ندارم.

رئیس - آقای بهار بر طبق ماده ۱۰۹ اجازه نطق خواسته اند همینطور آقای مشایخی بر طبق ماده ۱۰۹ اجازه نطقی خواسته اند بفرمائید آقای بهار

بهار - نوبه نطق من حالانلود لیکن ناطق محترم آقای دکتر در ضمن فرمایشاتشان از لحاظ اینکه ایشان خیلی دقیقند که همه جا دست ببرند همه جا اشاره میفرمایند و ذره ای فروگذار نمیکند از بیوهی و بی لطفی شرحی راجع با اکثریت و بعد هم شرحی راجع بحزب بیان فرمودند که ناچار شدم از لحاظ دفاع از فرا کسیون اکثریت و همچنین دفاع از حزبی که منسوب باو است از ماده ۱۰۹ استفاده کنم و از آقای رئیس وقت بخواهم (مکی ماده ۱۰۹ برای شما است فقط خدا کند برای همه باشد) ناطق محترم شرحی از وحدت کلمه و اتفاق و اتحاد بیان فرمودند و خودشان را طرفدار آرزومند اتحاد کلمه ملی نشان دادند لکن ملاحظه فرمودند که در عمل بدون جهت اظهاراتی نسبت با اکثریت مجلس و نسبت بعضی که طرفدار اکثریت است نمودند که خود این دلیل بر این بود که از وحدت کلمه و اتفاق نظر که امروز یکی از امهات مسائل است و بعقیده من تنها درمان بدبختیهای مملکت است خودشان را دور کردند (صحیح است) فرمودند که از اکثریت گله دارم و بعد معلوم شد گله شان هم راجع بنظری است که یکی از نمایندگان در دفاع از اعتبار نامه خودشان در اینجا نسبت بتاریخ زندگی بعضی از مهاجمین خودشان بیان کردند، که آقای ارستنجانی باشد، و الا اکثریت مجلس چنانکه مکرر عرض کرده ام ما با افراد سیرده ایم در موقبعیکه آقایان اقلیت صحبت میکنند بهیچوجه تعرضی نکنند به آقایان و دادو فریاد راه نیندازند (صحیح است) چنانکه در عمل هم ملاحظه فرمودید بهیچوجه ماهصباتی نمیشویم. همانطور هم که اشاره کردیم وظیفه مان نگهداری نظم مجلس و بالاخره قضاوت صحیح و دادن رأی قطعی است (صحیح است) ما بهیچوجه نمی توانیم اقلیت را تعقیب بکنیم، اقلیت را اگر تعقیب بکنیم بزبان خودمان تمام میشود ما میل داریم که همیشه کاری بکنیم که اقلیت مجلس با محبت داشته باشند لکن متأسفانه از روزیکه اکثریتی بوجود آمد و فرا کسیون سروسوزنی بخودش گرفت من حس میکنم که از طرف بعضی از آقایان نه تمام آقایان اقلیت یکصدی در کار هست که نسبت باین یعنی نسبت بین که رئیس فرا کسیون هستم و همچنین نسبت بفر کسیون مخصوصاً اهاناتی بشود مخصوصاً مذمتهایی بشود، روزنامه هائی که منسوب با اقلیت هستند دیگر چه دشمنی است آقای دکتر متین دفتری که بنا ندادند، انصاف بدهید خود جناب هائی مرد بزرگی هستید، روزنامه آتش که الان از شما اینطور دلسوزی فرمودید برداشت نوشت (محمدهلی سمودی - روزنامه آتش مستقل است مربوط با اقلیت نیست) آقا فرمایش نفرمائید، آقا از شما دفاع کردند و فرمودند منسوب با اقلیت است.

رئیس - آقای ملک راجع بهمان بیاناتی که ایشان کردند بفرمائید.

بهار - همان بیانات است و روزنامهها با اکثریت حمله کردند با افراد اکثریت بد گفتند مذمت کردند مددک ما معارضه بمثل نکردیم یعنی اکثریت بهیچ وجه میل ندارد نسبت با اقلیت فشاری وارد سازد و یا تجاوزی بکنند از روز اول عرض کردم که بنده ما باهم متحد شویم و حالا هم میگویم و امیدوار هستم

رئیس - شما هم اجازه داده میشود.

مشایخی - آقای دکتر متین دفتری تحت اعتراضاتی که در برنامه دولت داشتند موضوع گرانی هزینه زندگی گرامتد کرد شدند و علل دولایی برای ما ذکر کردند گرچه من باستناد ماده ۱۰۹ صحبت میکنم نمیتوانم به تفصیل در اطراف این موضوع بحث کنم و فقط در حدود دفاع باید صحبت کنم ولی اجمالاً عرض میکنم که در زمان دولت جناب اشرف آقای قوام السلطنه بر مراتب هزینه زندگی منزل فوق العاده شدیدی کرده است که بر مراتب یائینتر از قبل از زمامداری ایشان بوده است، با دلایل حاضر هستم ثابت کنم که در ظرف مدت نوزده ماه زمامداری آقای قوام السلطنه هزینه زندگی در شهر تهران بهیچوجه من الوجوه قابل مقایسه با سابق نبود برای نمونه میگویم شکر... (دهقان - بعد از ایشان نوبت یک مخالف است) (زنک رئیس) اما راجع بموضوعی که متذکر شده که شهرداری تهران روزی بیست و پنجهزار تومان از صنف بارفروش دریافت میکرد است و این موضوع یکی از هزل گرانی هزینه زندگی بوده است، بنده در دفاع از اعتبار نامه خودم در اطراف موضوعهائی که نسبت بشهرداری تهران اظهار میشد و اتهاماتی که بشهرداری زده میشد آن طوری که باید و شاید جواب دادم و دفاع کردم و تمام آن اظهارات وارد نبود به همین دلیل که یکی بعد از دیگری را جوابهای مثبت و داندان شکن دادم بطوریکه مورد قبول آقایان واقع شد اما راجع باین موضوع بنده میخواهم از آقایان تقاضا کنم که یک تقاضوت منصفانه بکنید ببینید که اگر بیست و پنجهزار تومان در روز از طرف یک صنف بارفروش داده شود در ازاه دادن بیست و پنجهزار تومان آن صنف چقدر باید استفاده بکنند اگر بیست و پنجهزار تومان رشوه بدهد بیست و پنجهزار تومان رشوه بعقیده من حد اقل برای اینست که در روز دویست هزار تومان سوء استفاده کنند حالا ببینید بارفروش چه تأخیری در امر خواربار دارد در صورتیکه بار و محصول متعلق ببالکین است بارفروش یک واسطه ایست بین مالک و کسبه خرده فروش یعنی موزعین کالای خواربار بین مردم بارفروش است فقط دلایی میگیرد و کمیسیون میگیرد بارفروش صاحب بار نیست که برای ترقی دادن قیمت بار خودش و برای اینکه محصول خودش را با علی القیم بفروشد و استفاده ببرد و سود نا مشروع ببرد بیاید به یک دستگاهی یک سازمانی رشوه بدهد، بارفروش اگر

رشوه بدهد برای این است که از کمیسیون کسبه میگیرد سوء استفاده بکنند و از کمیسیون قانونیش بیشتر بگیرد حالا من سؤال میکنم برای یک دستگاهی که دلال است و کمیسیونر است از فروشنده و از خواربار فروش یعنی آن کسانی که این جنس را میخرند و بصرف میکنند توزیع میکنند آیا یک چنین دستگاهی ارزش کارش اینقدر هست که بیست و پنج هزار تومان در روز رشوه بدهد تصور میکنم نمیشود قبول بکنیم و منطبق باینکه این باشد، گفتند ۲۰۰۰ تومان دستگاه بارفروشی تهران بشهرداری تهران میبپردازد مصرفش را هم تعین نکرده اند اما این موضوعی است که گرا را در جرایم تهران بحث شده و موقع اعتراض با اعتبارنامه من هم گفتند بیست و پنجهزار تومان برای تقویت دستگاه حزبی از بارفروشهای تهران گرفته میشد من در آنجا توضیح دادم که بارفروشهای تهران از بدو زمامداری بنده در شهرداری از بنده شاکتی بودند دلش چیست؟ وقتی بنده شهرداری تهران را در اختیار داشتم در شهرداری تهران خدمات فوق العاده گرانبهائی بشهر تهران کردم با ارقام و مدارک مثبت معزز و مسلم خواهد شد که بشهرداری تهران خدمت کردم اما راجع بیولی که گفتید بارفروش ها بشهرداری تهران داده اند بنده از آن اشخاصی بودم که معتقد بودم که دستگاه بارفروشی یکی از هزل عده گرانی خواربار و تره بار در تهران خواهد بود، بر هله بار فروش ها که میدان شهر داری را اجاره بکنند بودند آنها رضاعل بداد گاه تبدیل مال الاجاره دادم و تقاضای خلع بد مستاجر را از میدان دادم دادگاه تبدیل مال الاجاره حکم بر حقانیت شهرداری صادر کرد و از این حکم تقاضای تجدید نظر کردند و در مراحل تجدید نظر باقی ماند آقای هاشم وکیل مشاور حقوقی هستند یکمده از آقایان اینجا تشریف دارند اگر یک راه حل قانونی بنظر آقایان میرسد بنده حاضر هستم در مدت تصدی شهرداری عمل خلاف قانون نکرده و اینجا استفاده میکنم که جواب آقای معانی را عرض کنم در آن موقع که گزارش راجع بلوله کشی داده شد در آن موقع جناب اشرف سمت وزارت کشور را داشتند بنابر این در وقتیکه بارفروشهای تهران میباید اقامه دعوی میکنند و میخواهند این شخص را از ملک متصرفش خارج کنند آیا باین ترتیب میتوانند از دستگاه بارفروشی تهران سوء استفاده بکنند در زمان آقای آق اولی که وزیر کشور بودند در ظرف همان ده و یازده روز همین بارفروشها شکایت مفصل و بلند بالائی از شخص بنده و دستگاه شهرداری بوزارت کشور دادند و در ماه خرداد گفتیم هزار و پانصد نفر از گرانفروشان شهر تهران را که یکمده ای همین کمیسیونر ها بودند.

رئیس - از حدود ماده ۱۰۹ خارج نشوید و در حدود همان مطلب صحبت کنید.

مشایخی - بله در همان حدود است، بنده بداد گاه فرستادم مجازات کردند بنده در مدت تصدی خودم برای جلوگیری از گرانفروشی از هر اقدامی که قانوناً مجوزی برایش داشت طبق قانون کبفر گرانفروشان خودداری نکردم بناء علیهنما باستناد اینکه بنده برای تقلیه میدان بارفروشهای تهران بداد گاه تبدیل مال الاجاره رفتم و ورقه اجرائیه برای اجاره معوقه بارفروشها صادر کردم بوزارت

کشور نوشته ام بایستی بد بارفروشها را از دستگاه شهرداری خارج کرد و خود صاحبان بار بایستی بارشان را در تهران بفروشند باین استناد میخواهم عرض کنم که فرمایشات آقای دکتر متین دفتری صد درصد خلاف قاعده است.

رئیس - آقای حکمت (وزیر مشاور) - وقت خیلی گذشته است و آقایان هم خسته شده اند و حال اینکه وارد مذاکرات مفصل بشویم نیست علاوه مذاکرات و بیانات آقای دکتر متین دفتری قسمتهای مختلف داشت که میبایستی اشخاص مختلف جواب بگویند آنچه بنده لازم میدانم که در همین موقع گفته شود دو موضوع است یکی موضوع آذربایجان بود. در این دو ماه اخیر که افتخار شرکت در کابینه را داشتم خود بنده بر حسب امر جناب آقای نخست وزیر وارد شدم در کار های آذربایجان و شهادت میدهم آنطوریکه ایشان گفتند که نسبت بکارهای آذربایجان اقدامات جدی نشده است تا یک حدی اینطور نیست و دولت از همان آذر ۲۵ باینطرف که متجاسرین رفتند و اهالی شکایات زیادی کردند اقدامات جدی و مفیدی کرده است چنانچه بدآم یک شکایاتی رسیده است و عده ای از شاگرد های آقای دکتر متین دفتری هم درد دلها می کرده اند این شکایات سه قسم است بعضی از اینها مربوط است باشخصیکه بیفرزند و میل دارند واقماً یک اقدامات سریم و عاجلی در کار آذربایجان بشود یک قسمت هم اشخاصی هستند ناراضی از انتخابات و میل داشتند وکیل شوند و وکیل شدند و حالا اینرا شکایت عامه جلوه میدهند یک قسمت هم دعوای مال و رهیت است که همیشه در آذربایجان بوده است و حالا هم ما مورین دولت از طرف دولت دستور دارند که رسیدگی کنند نمایندگان آذربایجان هم شرکت دارند در این کار امیدوارم انشاء الله رف، شود در این دو ماهه کمیسیون بود بسیاری از آقایان نمایندگان آذربایجان شرکت داشتند و بعضی از وزراء هم بودند و یک اقداماتی هم شده هر کس که بگوید اقداماتی نشده خلاف واقع است و مخصوصاً بنده از آقای دکتر متین دفتری گله میکنم که چرا میگویند آذربایجان بعضی عملیات در دوره پیشه وری شده است که حال مردم یاد از آن میکنند (دکتر متین دفتری - بنده اینجا بچونر نگفتم بنده تکذیب میکنم) بنده گمان نمیکند که هیچوقت کسی یاد از پیشه وری بکنند و اگر کسی بکنند یاد او توأم است بانفرت وانزجار، و اما اینکه دانشگاهی که آنها ساختند واقدمی نشده است آقای وزیر فرهنگ بهتر میتوانند بگویند ولی بنده چون شاهد میتوانم بگویم بمجرد اینکه قضیه آذربایجان خاتمه پیدا کرد دولت جناب آقای قوام علاقمند بودند ببقای دانشگاه البته کاریکه آنها کردند یک ظاهر سازی بیشتر نبود (صحیح است) و چیزی نبود که اسمش را بشود گفت دانشگاه و نظر دولت این بود که یک دانشگاه بمعنای حقیقی گله در آنجا درست بشود و افراد و جوانهای آذربایجان در آنجا درس بخوانند و بی نیاز باشند از آمدن به تهران و ورود در دانشگاه تهران نه تنها از تبریز بلکه دانشگاهی بشود که از تمام آن ناحیه یعنی از قفقاز و ترکیه و آنجاها هم بتوانند بیابند و در آنجا درس بخوانند و برای این مقصود فوراً بدون فوت وقت در صورتیکه دولت پول کافی نداشت از برای

دانشگاه آنجا هم اعتباری منظور شد که همه آقایان مسبوق هستند و جناب آقای وزیر فرهنگ با کمال عجله مشغول هستند برای انتخاب اساتید و دانشیارانی برای شعبه دانشگاه طب که مورد علاقه جنابعالی هست و همچنین برای دانشکده ادبیات، انتخاب میکنند و بزودی به تبریز میفرستند و ما امیدوار هستیم که در بدو سال تحصیلی همانطوریکه مناسب مقام آقایان نمایندگان آذربایجان و بلکه تمام مردم ایران و علاقمندان به علم و فرهنگ است دانشگاه آذربایجان بزودی تشکیل بشود و ما امیدواریم که هیچکس خاصه آقایانیکه منسوب بنمایندگی آذربایجان هستند هیچوقت یاد از دوره متجاسرین و پیشه وری نکنند مگر با نفرت وانزجار که احساسات اهالی آذربایجان است، اما موضوع دومیکه بنده میخواهم عرض کنم موضوع سیاست خارجی بود، سیاست خارجی یک ماده ای دارد که در صدر برنامه واقع شده و آقای دکتر متین اشش را گذاشتند یک فورمول آر کیک و کلاسیک و آن اینست که در روابط خارجی اصل دوستی با دول معظمه مراعات گردیده و در تشدید روابط حسنه و حسن تفاهم کامل با اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر و ممالک متحده آمریکا با توجه باصل مذکور سعی و کوشش لازم شده و خواهد شد بنده از آقایان انصاف میخواهم که آن فرمولیکه ایشان گفتند که تعقیب سیاست مستقل ایرانی با این چه تفاوتی دارد؟ همین سیاست است هر ایرانی چه در اکثریت باشد چه در اقلیت باشد چه در شمال باشد چه در جنوب باشد همین رویه را تعقیب کرده است که این سیاست مستقل ایرانی یعنی حفظ اصول در روابط خارجی و رعایت احترام متقابل اجراء بشود، و اما اینکه چه جور اجراء بشود البته طریق اجرائش مختلف است اینکه گفته اند مشولیت وزارت خارجه را بر دوش خودشان جناب آقای نخست وزیر گرفته اند اینطور نیست برای اینکه در خود برنامه ملاحظه میفرمائید که ایشان وزیر خارجه تعیین کرده اند و در سابق هم وزیر خارجه داشتند و معرفی هم کردند و وزارت خارجه هم در سیاست خودش البته همان سیاست مستقل ایرانی را تعقیب میکنند و تعقیب هم کرده و بعد از این هم تعقیب خواهد کرد و ما بخدمت الله سر فراز هستیم که هیچوقت دولت ایران هیچگونه تمایلی بهیچیک از طرفین نداشته و بعد از این هم نخواهد داشت (صحیح است) و همیشه حافظ حدود و نفور و گنجینه های مخفی زیر زمینی مملکت ما بوده و خواهد بود هیچگونه جای نگرانی نیست بنده خود شاهد بودم و این شهادت را میدهم و با کمال انصاف عرض میکنم که آقای نخست وزیر بسفرای خارجی با کمال صراحت مشروعی دارم ملاحظه از برای استماع آن هستیم والا اگر بخواهید مثل ایام چنگ یا غیر ایام چنگ اعمال نفوذ بکنید یا تقاضای بیقاعده بکنید من بهیچوجه من الوجوه گوش بچرف شما نمیدهم و نخواهم گذاشت آن مقاصدی که دارید اجراء شود (احسن است) و نمونه این منطبق هم همان بیانه ایست که پارسال دادند و اجازه ندادند که هیچکس هیچگونه روابط نامشروعی با هیچگونه آمد و شد خلاف قاعده ای با مراکز خارجی داشته باشند امیدوارم این سیاست همیشه اقتضا بکنند و بقین دارم که هر دولتی روی کار

باشد چه این دولت چه دولت‌های دیگر همه پیرو همان سیاست باشند و هر طوری باشد اجازه مداخله اجانب در شئون و امور داخلی ندهند (صحیح است) و اما راجع به جامعه ملل اظهار نظری که در حق وتو و امنیت دسته جمعی کردند البته مطالبی که فرمودند بسیار مطالب علمی و بسیار نافع و مفید بود و خیلی هم تناسب داشت باینک کلاس درس و ما هم به هم خودمان استفاده کردیم ولی خوب چه میشود کرد همین است که هست مایک دولت ضعیفی هستیم تنها راه و تنهائیهامگاه ما هم سازمان ملل متفق است، این سازمان ملل متفق است که اساس سیاست هر مملکت ضعیفی را تشکیل میدهد و ما هم خیلی ممنون هستیم از سازمان ملل متفق که در مواقع مهم بحمايت و جانبداری دولت ایران اقدام کردند و بعد از این هم خواهند کرد و این سیاست همین است که در برنامه ذکر شده و خود جناب عالی هم موافقت کرده‌اید و البته امیدواریم وقتیکه دنیا بیک درجه از عدالت و انصاف برسد که اگر یک ملت ضعیفی هم تقاضا بکند که خاک او و مملکت او مثل منطقه ممنوعه‌ای مثل سوئیس بشود گوش بحرف او بدهند و فعلا که بنده چنین چیزی نمی بینم و اما اینکه اظهار نگرانی کردید تمام دنیا امروز نگرانی دارند از اوضاع و شاید انشاءالله یک روزی برسد که مملکت ما باقی و برقرار بماند همان طوریکه مانده بعداً هم خواهد ماند و جزو منطقه ممنوعه هم بشود و اگر اوضاع جغرافیائی ما اجازه بدهد مملکت ما هم از این کشمکش و گیرودار رقابت سیاست خارجی خلاص بشود.

رئیس - آقای وزیر دارائی .

هژیر - بنده خیلی عذر میخوام که جز بکلیات در باب مسائل مالی عرض زیادی ندارم آقای دکتر متین دفتری در ضمن فرمایشاتشان فرمودند منتظرند کسیکه برای بهداری خدمتی کرده است مورد تقدیر قرار بگیرد و امید وارم این اصل کلی نسبت به هر کس و هر مقام و هر جا که کسی یک خدمتی کرده است تأمین شود . فرمودند که در نتیجه پول هائی که پیشه‌وری و اعوانش میخواستند چون طرفه و تملل در دستگاه اداری ما هست پولی داده نشد و مقدار ناچیزی داده شد خواهش میکنم این تقدیر را برای این طرفه و تملل قائل شوید تا بیک وقت دیگری خدمتتان عرض کنم (صحیح است) (خنده نمایندگان) در ظرف این چند ماه بقدری اشکال و زحمت برای دولت فراهم بود که کشیدن این کشتی از همه این مصائب و رسیدن بساحل که امروز مجلس مقدس شورای ملی بتواند در تمام مسائل آزادانه بحث طولانی بکند و دولت‌ها را وادار بکند که تصمیم قطعی اکثریت را اجرا بکنند این خودش عملی است (صحیح است ، احسنت) ایراداتی که فرمودید نمیخوام عرض کنم وارد نبود خیلی از آنها وارد بود ولی شأن اکثریت مجلس شورای ملی اینست که مشکلات مملکت را ببیند اقداماتی که امروز در درجه اول از اهمیت است تشخیص بدهد دولت‌ها را مجبور بکند که آنها را انجام بدهد بعد بقیه (ولی قدر ما را هم) و الا دولت در

ظرف این مدت بقدری گرفتار مصائب بوده که عرض کردم گفت : ای برادر ما بگرداب اندریم آنکه شمت میکنید بر ساحل است (صحیح است) عرض کنم اشخاصیکه میفرمایند میبایستی دوششان از بار مسئولیت میدادند و با وحدت کلمه جلو مشکلات را میگرفتند این در صورتی است که بیایند و قبول نمایند وقتیکه نمایندگان چکار باید کرد خوب میگویند رفتند اینها هر یک در گوشه و چرا رفتند خوب آن وقت چه میکنید بهر حال بایستی جمع کرد که حاضر شوند عملی بشود و الا نمیشود مردم را بزور آورد . در ادوار گذشته کم میفرمایند قبل از کودتای ۱۲۹۹ یک یادداشتی رسیده بود که اسباب پیرشانی حواس دولت را فراهم کرده بود یک جلسه مشاوره عالی در دربار تشکیل دادند و عظام حاضر شدند مطلب را هم طرح کردند ببینیم چه شد ؟ یکی از آقایان بزرگوار گفت ایران تهران نیست و تهران هم این مجلس نیست بلند شدند و رفتند خوب اگر بنا شد این جور بخواهند همکاری بکنند در سیاست مملکت بچه نتیجه میرسد؟ پس قدر کمیرا که با مرارت و مشقت حاضر میشود مسئولیت را قبول میکنند و خوشبختانه با کمک حوادث و تدبیر و جرئت خودش شهامت و پشتکار خودش موفقیت پیدا میکنند بداند اینکه بنشینید و بنشینند و بشنوند ایرادات جناب عالی و سایر آقایان را و الا اگر بنا شود که ما بگوئیم دولت‌ها فصلی باشند یائز برود و زمستان بیاید ، دولتی که در دوره بهار کارش را کرده در تابستان برود بی کار خودش و بعد هم حکومت دوره یائز بیاید این که نمیشود برعکس بنظر بنده حکومتها باید سالها بمانند تا بتوانند کاری بکنند (صحیح است) و الا حکومت فصلی برای مملکت خدمتی نمیتواند بکند ، حالا خلاصه عرض بنده این است که شأن اکثریت شأن کلیه نمایندگان اقلیت و اکثریت اینست که تمام مسائل مهم و خرد را بگیرند و هضم بکنند رویهم بکنند و خرد بکنند با استنباط قضائی روزشان با استنباط سیاسی روزشان آنطوریکه صلاح میدانند آن مطلب را عنوان بکنند و الا اگر بنا باشد هر شاردی هر چه بنویسد آنرا عنوان کنند پشت تریبون مجلس شورای ملی بنظر بنده که نتیجه نمیگیریم یکجا میگویند این لایحه را خدمتتان فرستادم نوشته که خرمن ها را توقیف کردند و حقوق بهداری را هم نمیدهند و هم نوحه سرائی کرده‌است که خرمنها را توقیف کرده اند هم نوحه سرائی کرده‌است که چرا حقوق بهداری را نداده اند آخر باید مالیات را از خرمن گرفت و بهداری داد میگویند این را نگیر و آنرا بده اینک از بنده بر نیاید بالاخره باید از یکجائی گرفت و داد ، این چه جور ممکن است که تمام مسائل مختلف و متباین و متضاد را بشود در عین حال با هم حل کرد ؟ راجع به خارج خیلی مصطلح شده است هزینه زندگی میگویند هزینه زندگی از کجا آمده است آقای دکتر متین خیلی عذر میخوام هم مخارج زیاد شده است مردم تحمل نمیتوانند بکنند در مطالبی که آقایان موافقت میفرمایند مخارج لازم را دولت بکند بودجه تعدیل بقدر تمام این مطالبی که میفرمایند درش تأمین بشود بنده با این جنبه

ضعیف اگر در این یکسال و چند ماه (حاذقی - آنقدر ما هم ضعیف نیستید) مگر در مقابل جناب عالی مردان کهن اینجا هستند از بنده که کاری بر نیاید عرض کنم بنده تصور میکردم آنروزیکه مأموریت وزارت دارائی بنده محول شده است منظور آقای رئیس الوزرا اینست که امور مالی مملکت را بهر طوری که هست بگردانم حالا اگر بفرمایند بنده که نمیخوام عرض کنم؟ البته قانون اساسی تمام موادش مطاع و متبوع و لازم الاجرا است اگر قانون اساسی نباشد بنده نمیتوانم اینجا بایستم و هرایس خودم را حضور آقایان بکنم تمام موادش لازم الاجرا است اگر تصور بفرمایند در نتیجه عملیاتی که در ظرف یکسال و نیم در وزارت دارائی بخصوص شده‌است موجب این است که یک کسی سوء استفاده کرده باشد ولو شخص بنده باشم یا سلف بنده یا مأمورین درجه دوم وزارت دارائی بنده حاضر بهم خودم بنده باشم آن ماده‌ای را که راجع بسارقین اموال دولت فرمودید نسبت بنده که سرقتی نکردم راجع بنده غیر سارق اجرا بشود ولی این را تصدیق میفرمایند که عملی که بایستی این مجلس بکند شایان تقدیر بوده و اگر هم تصور میفرمایند سوء نیتی در کار است یک مجازاتی هم در کار خواهد بود و الا اگر یکطرف را بگیرند بنظر بنده این نمیشود ، یک کسی در آتیه بدون نظر خصوصی حاضر بشود که یک مسئولیتی قبول کند بطور خلاصه تا بودجه مملکت تعدیل نشده است کاملاً فرمایش جناب عالی صحیح است که هیچگونه اصلاحی در این مملکت نمیشود کرد و تعیش مردم و زندگی مردم هم بایستی بر اساس ثروت و توانائی مالی و بنیبه اقتصادی مملکت تأمین شده باشد که این هم وظیفه دولت است که پس از استیجاز از مجلس شورای ملی وظیفه‌اش را انجام بدهد البته بعد از برنامه دولت تصور میکنم بنده مهمترین مطلبی که اشاره فرمودند و همه آقایان هم به آن اشاره فرمودند تنظیم بودجه و موضوع مالی است اجازه بفرمایند که زودتر کار برنامه تمام بشود این مسائل هم بعرض آقایان میرسد هر جا تخلف با سوء نیتی از قوانین بود البته بایستی مجازات شود هر جا تخلف بدون سوء نیتی بود بستم برای مجلس شورای ملی است که بایستی اجرا شود (صحیح است) ولی بدون اینکه نمایندگان مجلس شورای ملی قوه خودشان را رأی قاطعشان را بنده البته دولت بخودی خود موفق نمیشود بهیچیک از این مسائلی که فرمودند توجه نماید تصور میکنم از جمله مسائلی که فرمودید باصلاح مسئله فلسفه مالیات ها است باانحصار ها بنده خودم موافق نیستم خوب ممکن است نظریات مختلف باشد یک کسی با انحصار مخالف است یک کسی با انحصار موافق است بنده که از این حیث خیال میکنم نظرم توافق بانظر آقای دکتر متین دفتری دارد بنده معروف شده‌ام بخلاف جدی با انحصار های دولتی بنده به تجربه دیدم که وسیله برای اجرای منظور آقایان که انحصارها است نیست حالا یا باید این رسم را تعمیم کرد که مثل همه جای دنیا بتوانیم استفاده بکنیم یا نظر جناب عالی صحیح است اما این فرصت ورود در مطلب میخواد اگر در ظرف این مدت یکسال و نیم بقروض مملکت اضافه شده باشد تصدیق میفرمایند که این تورم پولی

کم میفرمایند از این لحاظ مورد نخواهد داشت اجازه میفرمایند بنده نمیخوام تصدیق بدهم و الا ارقامی که با تصویب مجلس شورای ملی در ظرف سنوات اخیر از ۱۳۲۱ تا آخر ۱۳۲۴ با تصویب مجلس شورای ملی فرض کردند یکی یکی حضورتان میخوانم ۳۴۰ میلیون تومان از این قروض که دولت ما بپانک ملی ایران دارد همه با تصویب مجلس شورای ملی است و برای امور اساسی در حضور مجلس خرج شده و در حضور مجلس موجب تورم شده حالا اگر یک دولتی هجده ماه نوزده ماه بفرمایش جناب عالی بتواند اراده این مملکت را بدون یکصدینار قرض بگرداند و حتی مقداری از قروض گذشته را هم بپردازد این دولت قابل تقدیر نیست ؟ طوری بفرمایند که عرض کردم بتوانیم فرصت کنیم بنشینیم باحال فارغ باصل مطلب برسیم یعنی مطلب را از لحاظ خودش حل بکنیم هر چه تصمیم اکثریت شد البته دولت اطاعت خواهد کرد و بجای خودش عمل میکند ، امور مالی مملکت در ظرف این ۱۸ ماهه طوری نبوده است که بطور کلی راز لحاظ اصول مورد ایراد واقع شده باشد.

رئیس - آقای امامی خوئی طبق ماده ۱۰۹ اجازه نطقی خواسته اند بفرمایند .

امامی - بنده تصور نمیکنم صحبت در برنامه دولت ۱۰۹ داشته باشد لغت باین ۱۰۹ هر کس حرف میزند ۱۰۹ و آن وقت یک حرفهائی زده میشود که ما هم میگوئیم ۱۰۹ (یک نفر از نمایندگان - ماده ۱۰۸) هر دو تا اسباب زحمت شده (دکتر معظمی - ماده تقصیر ندارد) سوء استفاده میشود از هر دو طرف ظلم با سوء عمل است استاد محترم آقای بهار باز هم از ۱۰۹ استفاده فرمودند بنده هم که کوچکترین عضو اقلیت هستم ناچارم مثل دفتیان گذشته از ۱۰۹ استفاده کنم و خیلی هم معذرت میخوام که یک و نیم بعد از ظهر است (یکی از نمایندگان - بیشتر است) بنده معلوم میشود که مثل آقایان زیاد گرسنه‌ام نشده است فرمودند عقیده اکثریت باین است که مجلس بدون جنجال و سرو صدا انجام وظیفه کند این عقیده آقای است ولی عمل اینطور نیست عمل را دیدیم هم در لژ جراید هم در داخل مجلس هم در خارج مجلس این عمل بود دو صد گفته چون نسیم کردار نیست فرمودند روزنامه های اقلیت ، اقلیت که یک بلوک یک دسته معینی نیست که روزنامه داشته باشد بفرمایند روزنامه هائیکه روش اقلیت را پسندیده اند و از آنها حمایت میکنند چرا سر کار روزنامه های خودتان را نمی بینید که مینویسند نورالدین امامی لگوری ، لگوری را که یک مرد نمیگویند میخواستند روزنامه امروز را بچوبانند ببینید آقای معانی پیرمرد هفتاد ساله چی نوشته چرا از او دفاع نمیکنید اعتبارنامه‌شان تصویب شده است (مهدی ارباب یزدی - همین فرمایش آقا ۱۰۹ دارد) مورد اعتراض واقع نمیشود راجع بقسمت بنده عرایض را عرض بکنم راجع بآن قسمت اخیر فرمایشاتشان که فرمودند یک عده معدودی از اقلیت اگر بگذارند بنده هم عرض میکنم اگر یک عده چند نفری از اکثریت بگذارند با هم اختلافی نداریم و اگر هم اختلافی

باشد می‌نشینیم حل میکنیم و صلاح مملکت خدمت میکنیم (احسنت)

رئیس - یک پیشنهادی آقای اردلان کرده‌اند که جلسه هر روز باشد قرائت میشود .

(آقای فولادوند (منشی) بشرح زیر قرائت نمودند :) ریاست محترم مجلس شورای ملی - بنده پیشنهاد میکنم جلسه آتیه فردا چهارشنبه تشکیل شود .

یکی از نمایندگان - بنده مخالفم .

فولادوند - آقایان بفرمایند بنده مخالفت کنید و تا اخذ رأی همه روزه جلسات مجلس تشکیل گردد ، پیشنهاد دیگری هم هست پیشنهاد اینجناب این است که فردا چهارشنبه بطور فوق العاده برای بحث در برنامه دولت جلسه رسمی تشکیل شود - حاذقی **رئیس -** با این پیشنهاد مخالفی هست ؟

اردلان - اجازه بفرمایند بنده توضیح عرض کنم .

رئیس - بفرمایند .

اردلان - عرض کنم آقایان نمایندگان محترم مسئله تازه‌ای نیست پیشنهاد بنده موقعی که برنامه دولت مطرح بود آقایان نمایندگان تشریف میآوردند حتی عصر هم تشریف میآوردند تا اینکه این کار برنامه تمام میشد آقای وزیر دارائی در این نطقی که فرمودند خواهش کردند که زودتر تکلیف برنامه و دولت را معلوم بکنیم که زودتر بتوانند بکارها برسند بنا بر این بنده تقاضا میکنم که فردا چهارشنبه جلسه داشته باشیم و پنجشنبه هم جلسه داشته باشیم انشاءالله بلکه بتوانیم برنامه دولت را تمام کنیم رای بگیریم و کارهای مملکت را شروع کنیم .

رئیس - آقای دهقان .

دهقان - بنده خیال میکنم که اگر همان روز هائیکه جلسه را مقرر فرموده بودید تشکیل شود و آقایان سر وقت تشریف بیاورند و از همان موقع شروع کنیم محتاج جلسه فوق العاده نیستیم (صحیح است) بنده عاجزانه از خود آقایان استعفا میکنم رعایت وقت دیگران را بکنند و سر وقت تشریف بیاورند و بنشینند و تکلیف دولت را معین کنند و محتاج بتشکیل جلسه هر روزی نیست .

۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - رای میگیریم آقایانیکه موافقت که فردا جلسه تشکیل بشود قیام کنند (عده کمی برخاستند) در شد ، بنا بر این جلسه را ختم می‌کنیم جلسه روز پنجشنبه ساعت هشت و نیم صبح آقایان سر وقت تشریف بیاورند .

جلسه در ساعت یک و چهل و پنج دقیقه بعد از ظهر ختم شد .

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت

تصویب نامه

شماره ۱۰۹۹۸ وزارت کشور ۲۲۶-۶-۳۱

هیئت وزیران در جلسه ۳۰ شهریورماه ۲۲۶ طبق پیشنهاد شماره ۴۲۴۲۷ - ۲۰۶۴۸ وزارت کشور تن آقایان کارمندان دوره سوم انجمن شهرداری ایلام را برتربیب زیر :

معد احمدی پور - سهراب عبداللهی - جوان میر بختیاری - اکبر نصیری - هلی گلنام - حسینعلی رفعتی - تعیین و تصویب نمودند .

تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است .

۳ - ۲۵۰ - از طرف نخست وزیر

نظام مستوفی - کاظم قطب - محمد وصال - حسین ابوالعلاج - مجید عماد - مرتضی شیخ تعیین و تصویب نمودند .

تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است

۴ - ۳۶۷۵ - از طرف نخست وزیر

شماره ۹۷۲۴ وزارت کشور ۳۶-۶-۳۱

هیئت وزیران در جلسه ۳۰ شهریورماه ۳۲۶ بموجب پیشنهاد شماره ۲۶۹۰۱ - ۶۲۱۸۰ وزارت کشور آقایان کارمندان دوره پنجم تجدیدبی انجمن شهرداری مشکین شهر (خیاب) را به ترتیب زیر ابوالفضل اسکندری - حقیقت محسنی - مجید ناصری - معزم مختاری - داداش اسکندری - محمدصدر تصویب و تعیین نمودند .

تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است

۴ - ۳۶۳۱ - از طرف نخست وزیر

شماره ۸۷۲۰ وزارت دارائی ۳۶-۶-۳۱

هیئت وزیران در جلسه ۳۰ شهریور ماه ۲۲۶ طبق پیشنهاد شماره ۳۶۸۱۲ - ۱۷۲۰۵ وزارت کشور تصویب نمودند که از تاریخ صدور این تصویب نامه از اقامت واحشام عبوری شهر شادکان بشرح زیر :

۱- از هر رأس گوسفند و بز ۳ ریال

۲- د گاو ۱۵

۳- د گاو میش ۲۰

از صادرکننده گان بفتح شهرداری شادکان دریافت گردد .

تصویب در دفتر نخست وزیر است

۴ - ۳۶۳۲ - از طرف نخست وزیر

شماره ۸۷۱۲ وزارت دارائی ۲۶-۶-۳۱

هیئت وزیران در جلسه ۳۰ شهریور ماه ۲۶ طبق پیشنهاد شماره ۳۶۸۰۷ - ۱۶۰۶۹ وزارت کشور باستناد تبصره ۱ و ۲ ماده ۸ قانون آموزش و پرورش اجباری و قسمت (ب) ماده ۴ آیین نامه مذکور تصویب نمودند که از تاریخ اول فروردین ۲۶ از هراسله نخل مشرفه ۱۵ دینار در سال از صاحبان نخیلات بخش شادکان بوسیله اداره دارائی جهت ساختمان دبستانهای نوبنیاد دریافت و هینا در اختیار فرهنگ شادکان گذارده شود و تصویب نامه شماره ۳۴۵۹۰ ۱۸-۹-۲۵ از این تاریخ در شادکان ملغی و کما فی السابق در خرمشهر قابل اجرا خواهد بود .

تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است

۴ - ۳۶۲۴ - از طرف نخست وزیر

شماره ۱۰۴۸۰ وزارت کشور ۳۶-۶-۳۱

هیئت وزیران در جلسه ۳۰ شهریورماه ۲۲۶ طبق پیشنهاد شماره ۴۲۴۲۷ - ۲۰۶۴۸ وزارت کشور تن آقایان کارمندان دوره سوم انجمن شهرداری ایلام را برتربیب زیر :

معد احمدی پور - سهراب عبداللهی - جوان میر بختیاری - اکبر نصیری - هلی گلنام - حسینعلی رفعتی - تعیین و تصویب نمودند .

تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است .

۴ - ۲۵۰ - از طرف نخست وزیر

شماره ۱۱۴۹۲ وزارت کشور

هیئت وزیران در جلسه ۳۰ شهریورماه ۱۳۲۶ طبق پیشنهاد شماره ۴۵۵۷۱-۲۳۶۷۰ وزارت کشور معرفی استانداری آذربایجان شش تن آقایان کارمندان دوره هفتم تجدید شده انجمن شهرداری خلیخال را بترتیب زیر :

یوسف ملکپور - عبداللہ فتح اللہزاده - بابانصیری - بیوک آقا شریفیان - تیمور فرهودی - عزیز رزاقی - تعیین و تصویب نمودند .

تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است .

م- ۳۶۲۸ از طرف نخست وزیر

شماره ۱۰۹۹۸ وزارت کشور

هیئت وزیران در جلسه ۳۰ شهریورماه ۱۳۲۶ طبق پیشنهاد شماره ۴۴۶۴۲-۲۳۰۸۶ وزارت کشور شش تن آقایان کارمندان دوره هفتم انجمن شهرداری دزفول را بترتیب زیر :

نظام مستوفی - کاظم قطب - محمد وصال - حسین ابوالعلاج - مجید عماد تعیین و تصویب نمودند .

تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است .

م- ۳۶۲۹ از طرف نخست وزیر

شماره ۷۴۵۰ وزارت دارائی

هیئت وزیران در جلسه ۳۰ شهریور ماه ۳۲۶ طبق پیشنهاد شماره ۱۳۴۵۴-۲۴۸۳۲ وزارت کشور تصویب نمودند هوارض مواد نفتی قریه شوسف که فاقد شهرداری است آنچه تا کنون وصول شده

و با بعداً وصول شود . شهرداری بیرجند اختصاص داده شود که وجوه حاصله بمصرف ساختمان و نگهداری و تربیت اطفال دارالتربیه برسد و نیز ساختمان کوچکی بنام آسایشگاه در قریه شوسف ساختمان و نگهداری شود .

تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است .

م- ۳۶۲۳ از طرف نخست وزیر

شماره ۱۳۱۷۲ وزارت دارائی

هیئت وزیران در جلسه ۳۰ شهریور ماه ۳۲۶ بنا بپیشنهاد شماره ۴۵۷۵-۵۴۶۷۳ وزارت کشور تصویب نمودند که دهستان جعفرآباد ساوه تبدیل به بخش و تابع آن شهرستان گردد .

تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است .

م- ۳۶۲۶ از طرف نخست وزیر

شماره ۱۱۴۵۶ وزارت کشور

هیئت وزیران در جلسه ۳۰ شهریور ماه ۳۲۶ طبق پیشنهاد شماره ۴۳۴۷۰-۴۷۸۶۸ وزارت کشور ۶ تن آقایان کارمندان دوره هفتم انجمن شهرداری دماوند را بترتیب زیر :

حاج سید علی اکبر حسینیان - سید جلال هلی حسینی - سید معطر جلالی - مصطفی شجایی - هلی اصغر امیر شاهی - مرتضی اسلامی تعیین و تصویب نمودند .

تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است .

م- ۳۶۲۷ از طرف نخست وزیر

شماره ۱۰۵۶۸ وزارت کشور

هیئت وزیران در جلسه ۳۰ شهریور ماه ۱۳۲۶ بر حسب پیشنهاد شماره ۳۵۵۹۹ وزارت کشور تصویب نمودند که بخش سراسکند (هشترود) تابع شهرستان مراغه از شهرستان مزبور مجزی و ضمیمه شهرستان تبریز گردد .

تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است .

م- ۳۶۴۰ از طرف نخست وزیر

شماره ۱۳۹۹۸ وزارت اقتصاد ملی

هیئت وزیران در جلسه ۳۰ شهریور ماه طبق پیشنهاد شماره ۱۴۸۲۲ مورخه ۳۰ شهریور ۱۳۲۶ وزارت اقتصاد ملی تصویب نمودند :

نسبت بمقدار ابریشم و مشتقات آن که در دست مردم در کشور از سالهای قبل تا تاریخ تصویب این تصویبنامه باقی مانده اداره کل نوغان مجاز است در مدت ۴ ماه (مهر - آبان - آذر - دی ۲۶) آگهی صادر نموده در محلهائی که بعداً معلوم خواهد نمود ابریشم و مشتقات فوق را بلمب نموده و اجازه پروانه حمل و فروش بدهد مشروط بر اینکه دارندگان ابریشم از برای هر یک کیلو ابریشم خام مبلغ ۲۰ ریال حق بلمب بیانک صنعتی و معدنی ایران پرداخت نمایند .

ابریشم هائیکه از سابق طبق تصویبنامه های قبلی بلمب شده ولی تا کنون در شعب اداره کل نوغان و ادارات دارائی شهرستانها بمنظور دریافت حق بلمب باقی مانده است نیز مشمول این تصویبنامه می باشد .

تصویبنامه در دفتر نخست وزیر است .

م- ۳۶۲۲ از طرف نخست وزیر